

فرار مردم از افغانستان ادامه دارد



در سه ماهگی تلخی جنگ را چشیده و در هجوم دیوان طالبان به کابل یک پای خود را از دست داده است

کنفرانس ۵ کشور در آلماتا

به طالبان اخطار داد

روی کار آمدن طالبان در جلال آباد و کابل و برقراری حکومت وحشت راهی برای بسیاری از مردم این دو شهر باقی نگذاشت جزاینکه از کشور بگریزند. کمیسیون امور کمک به پناهندگان در ژنو اطلاع داد که بعد از چند هفته از روی کار آمدن طالبان می‌گذرد، تعداد افرادی که از افغانستان به پاکستان می‌گریزند نسبت به روزهای اول سه برابر شده است. هفته گذشته نصراله بابر وزیر کشور پاکستان در راس هیئتی وارد کابل شد تا با طالبان به گفتگو بپردازد. این اولین سفر یک هیئت خارجی به کابل بعد از قدرت‌گیری طالبان بود. بابر با ژنرال دوستم در مزارشرف ملاقات کرد. هدف او این بود که دوستم را به مواضع بیطرفانه در مقابل طالبان بکشاند. هیئت پاکستانی همچنین اعلام کرد که آمادگی میانجی‌گری برای برقراری آتش‌بس بین طالبان و احمد شاه مسعود است. تلاش‌های هیئت پاکستانی در میانجی‌گری بین طرفین به نتیجه نرسید. برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور دولت مجاهدین افغانی پیشنهاد کرد که طالبان کابل را تخلیه کنند، و کابل بعنوان یک منطقه بی‌طرف تحت نظر نیروهای سازمان ملل اداره شود و در عوض طالبان در قدرت سهیم گردد. در غیر این صورت راهی غیر از جنگ داخلی وجود ندارد. سخننگوی دوستم در پاکستان اعلام کرد که دوستم به بقیه در صفحه ۱۲

اظهارات یک مقام سابق رژیم درباره عملیات تروریستی جمهوری اسلامی

سرویس‌های امنیتی اروپایی صحت اظهارات شاهد را تایید می‌کنند

پس از اظهارات شاهد دادگاه میکونوس دادستانی کل آلمان احتمال یکره قضایی

خامنه‌ای و رفسنجانی را ممکن می‌داند

ام. آی. ۶، سرویس مخفی بریتانیا نیز که بلافاصله پس از فرانسوی‌ها از این فرد بازجویی کرد، گفته‌های او را به عنوان "بسیار محرمانه" طبقه‌بندی نمود. حتی سرویس مخفی بلژیک نیز این فرد را مورد بازجویی مفصل قرار داده است. پنجمین‌گفته‌شده، این فرد مرموز و ناشناسی، با هوایما به برلین، پایتخت آلمان برده شد. او در حالی که پنج - شش محافظ از اداره آگاهی فدرال آلمان (ب.کا.آ.)، همراهی‌اش می‌کردند، از طریق لندن به برلین آمد تا برای نخستین بار علیه رژیم آخوندها شهادت دهد. دادگاه برلین، رسیدگی به اسرار پشت پرده حمله به رستوران میکونوس برلین را بر عهده دارد که در جریان آن، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ چهار بقیه در صفحه ۲

فرار از چنگال رژیم تهران، از طریق مرز دو کشور به پاکستان گریخته بود. وی که نزدیک به چهل سال دارد، می‌خواست سفر خود را به مقصد بن، برلین و یا جایی مشابه ادامه دهد و به عنوان حق‌العین، چند گزارش از هیئت حاکمه آخوندی ایران ارائه داد. به نظر می‌رسد این مورد، مانند سایر موارد روزمره است. حداقل، گزارشی که مأموران ب.ان.د. برای مرکز سازمان خود در پولاخ آلمان تهیه کردند و فرستادند، نکات بسیار مهمی در بر نداشت. اما همکاران فرانسوی مأموران اطلاعاتی آلمان، علاقه بیشتری به این فرد نشان دادند. آنها در دو نوبت، این ایرانی فراری را در مجموع ۲۰ روز تمام بازجویی کردند و در پایان این بازجویی، پرونده قطوری با تذکر "اسرار دولتی" تشکیل دادند.

هفته‌نامه آلمانی اشپیکل، در شماره ۱۴ اکتبر ۱۹۹۶ خود، گزارش افشاگرانه‌ای درباره اظهارات یک شاهد جدید در پرونده میکونوس چاپ کرده است. اشپیکل می‌نویسد: برای نخستین بار، یک مقام فراری ایران پرده از اسرار تیم‌های ترور برداشته است. این شاهد اظهار داشت که راس حکومت در تهران، دستور ترور میکونوس در برلین را صادر و طرح دقیق آن را تهیه کرد. بن به خاطر ملاحظاتی که در قبال تهران دارد، باز هم بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد. مأموران سرویس اطلاعاتی آلمان (ب.ان.د.) نمی‌دانستند یا مردی که یک روز به سفارت آلمان در اسلام‌آباد مراجعه کرد و وجه مشخصه او، قد کوتاه و چشمتی خفیه بود، چه کند. اوایل آوریل، این ایرانی برای

حکومت جمهوری اسلامی

ورسانه‌های جدید

روزنامه صبح، سخنگوی سرکوبگرترین جناح در جمهوری اسلامی، خواهان آن شده است که همان منوعیتی که در مورد آنتن‌های ماهواره‌ای اعمال شد، شامل استفاده از شبکه کامپیوتری جهانی اینترنت در ایران نیز بشود. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از جواد ظریف معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌نویسد برخی مطالب قابل دسترس از طریق اینترنت، به اندازه کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی مضرنند. استفاده‌کنندگان از اینترنت در ایران می‌گویند رژیم آخوندی، کانال ارتباطی ایران با اینترنت را تحت کنترل کامل قرار داده است، و مانع دسترسی مشترکان ایرانی اینترنت، به کامپیوترهایی است که آدرس اینترنت آنها در لیست سیاه قرار گرفته است. بیشترین این آدرس‌ها به دستگاه‌هایی در اینترنت مربوط می‌شود که حاوی تفریحات و اعلامیه‌های اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور است. تلاش جمهوری اسلامی بر این است که سرویس اینترنت در ایران را به یک سرویس سانسور شده تبدیل کند.

جمهوری اسلامی در این تلاش خود در عرصه بین‌المللی تنها نیست. در چین و سنگاپور نیز دولت‌ها می‌کوشند از اینترنت آزاد، اینترنت سانسور شده بسازند. جمهوری اسلامی همانگونه که در ممنوع کردن آنتن‌های ماهواره‌ای از سرمشق چین پیروی کرد، اکنون نیز در مبارزه با اینترنت الگوی خود را چین قرار داده است.

در ممنوع کردن استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای، جمهوری اسلامی کمابیش موفق بوده است. هر چند هنوز بسیاری از خانه‌هایی که در حیطه خلوت یا بام آنها آنتن ماهواره‌ای به صورت نه کاملاً آشکار نصب شده است، اما مصوبه مجلس بی‌تردید جلوی روندی را گرفت که می‌توانست به سرعت، انحصار تلویزیونی رژیم را در سطح توده‌ای بشکند. اکنون، استفاده از برنامه‌های تلویزیونی خارجی، محدود به شمار اندکی از خانواده‌هاست که اولاً توان مالی خریدن آنتن‌های گران‌قیمت از بازار سیاه را داشته‌اند و یا دارند، ثانیاً محیط وسیعی برای استتار آنتن در اختیار دارند، ثالثاً تا حدی اطمینان خاطر دارند که در صورت کشف آنتن‌هایشان، با پرداخت هر مبلغی که گزندگان حکومتی به عنوان رشوه یا جریمه بطلبند، قادر خواهند بود در دسر را خاتمه دهند. حدود سه سال پیش، استفاده از برنامه‌های تلویزیونی خارجی می‌رفت تا به پدیده‌ای به وسعت استفاده از نوارهای ویدئویی تبدیل شود. بسیاری از تولیدکنندگان فروشندگان داخلی در صدد بودند تا به تقاضای بازار پاسخ گویند و به طور رسمی یا غیر رسمی، آنتن‌های ارزان‌قیمت ارائه کنند، و برخی از آنها این کار را شروع کردند. در جهان حفظ انحصار اطلاعاتی و رسانه‌ای است. این درس را ایدئولوژیک، مدیون حفظ انحصار اطلاعاتی و رسانه‌ای است. این درس را جمهوری اسلامی خوب یاد گرفت و در مقابل پدیده "خطرناک" ماهواره واکنش نشان داد. فعلاً رژیم توانسته است این خطر را دفع کند.

اما هنوز مدت زیادی از ماجرای ماهواره نگذشته است که جمهوری اسلامی در افق، شیخ هولناک دیگری می‌بیند: اینترنت. وسیله‌ای که با آن می‌توانی به هر نقطه جهان که بخواهی به طور مجازی سیر کنی و هر اطلاعاتی را که بخواهی به دست آوری. آمار فروش کامپیوترهای شخصی در ایران را در بقیه در صفحه ۳

کشمکش‌ها و مذاکرات پیرامون انتخابات ریاست جمهوری

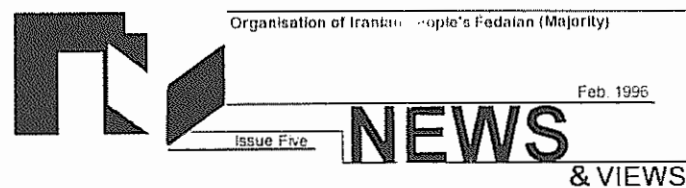
تشکل‌های موسوم به «خط امام» از کاندیداتوری میر حسین موسوی پشتیبانی کردند

غفوری فرد: حضور چهره‌های شناخته شده به گرم شدن فضای انتخابات کمک می‌کند

جامعه روحانیت مبارز و گروه‌های همسو با آن، گروه کارگزاران و جریان موسوم به «خط امام». در روز ۲۵ مهرماه اعلام شد که مجمع روحانیون مبارز مجدداً فعالیت سیاسی خود را آغاز نموده است. مجمع روحانیون مبارز در اولین اقدام دور جدید فعالیتش، میر حسین موسوی را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرد. از کاندیداتوری میر حسین

با نزدیک شدن تاریخ انتخابات ریاست جمهوری که در نیمه دوم خرداد ماه سال آینده برگزار می‌شود، کشمکش‌های گروه‌بندی‌ها و جناح‌های موجود در جمهوری اسلامی پیرامون این امر بالا گرفته است. این کشمکش‌ها در عین حال در مواقعی با تلاش برای حصول توافق بر سر کاندیدای مشترک همراه است. طرف‌های این کشمکش‌ها عبارتند از:

با News & Views همکاری کنید آن را به دست علاقمندان برسانید



با News & Views ارتباط بگیرید

اگر شما علاقه‌مند به دریافت N&V هستید و یا فکر می‌کنید برای احزاب محلی فعال در منطقه شما مطالعه N&V مفید است، برای دریافت آن با شعبه بین‌الملل سازمان مکاتبه کنید. شما در عین حال می‌توانید N&V را به زبان‌های انگلیسی و فرانسه از طریق شبکه اینترنت از طریق آدرس: <http://www/193.80.248.16/iran/kar/fadai.aksariyat/> دریافت کرده و آن را چاپ کنید. N&V چه برای دریافت اطلاعات و اخبار، چه برای همکاری در تولید آن، چه برای انتشار به سایر زبان‌ها و چه برای رسانیدن آن به دست طیف وسیع‌تری از محافل خارجی، شما را دعوت به همکاری می‌کند. شما می‌توانید با آدرس زیر با شعبه بین‌الملل تماس بگیرید:

PO BOX 335
London SW6 7XD
U K
Fadaii@aol.com.uk
0049 - 221 - 3318290

پست الکترونیک:
نکس:

بنا به تصمیم و تصویب شورای مرکزی سازمان در تابستان ۹۵، مقرر شد شعبه امور بین‌الملل شورای مرکزی عهده‌دار انتشار نشریه‌ای به زبان انگلیسی گردد. هدف از انتشار این نشریه، مطلع کردن احزاب، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، محافل آکادمیک علاقه‌مند به مسائل ایران و سازمان است. این نشریه که نام News & Views برای آن برگزیده شده است، از همان تابستان سال گذشته آغاز به انتشار کرده و به طور مرتب هر دو ماه یک بار منتشر شده است. نهمین شماره News & Views در اواخر اکتبر انتشار خواهد یافت. «نیوز اند ویوز» به طور همزمان به زبان‌های انگلیسی و فرانسه منتشر می‌شود. از سپتامبر جاری به بعد بزبان عربی نیز انتشار می‌یابد. انتشار آن به زبان‌های دیگر نیز در آینده در دستور کار است. اکنون که حدود یک سال و نیم از آغاز انتشار N&V گذشته است، بنا به ارزیابی فعالین سازمان، N&V توانسته است در زمینه برقراری و بسط ارتباطات سازمان با احزاب و سازمان‌های خارجی، نقش موثری ایفا کند.

چپ، باید شجاعت پا گذاشتن در میدان‌های بزرگ را در خود بیابد

در صفحه ۳

در این شماره

● سمت وارد آوردن

ضربه اصلی

فرخ نگهدار

صفحه ۷

● نگاه یک سویه به تاریخ

در باره کتاب

«جلادان داوطلب

هیتلر»

ح - بهداد

صفحه ۶

● تقاهم ملی

منوچهر مقصودی

صفحه ۸

● رویارویی با تهامج

پاکستان به افغانستان

مهرداد ارفع زاده

صفحه ۹

● دموکراسی، نتیجه

توسعه

بایش شرط آن

صفحه ۱۱

حکومت جمهوری اسلامی و رسانه‌های جدید

بقیه از صفحه اول

بازار پرسود اینترنت را کشف کرده‌اند و در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. ظرفیت خطوط ارتباطی مورد استفاده اینترنت، پیوسته رو به افزایش است. هزینه این سرمایه‌گذاری عظیم، از محل تقاضای زیاد و حق اشتراک تأمین می‌شود. در حالی که تا چند سال پیش، در آمریکا و اروپا استفاده از خطوطی با ظرفیت انتقال یک و نیم یا دو میلیون بیت در ثانیه به مواردی بسیار نادر از شبکه‌های راه دور محدود می‌شد، اکنون با استفاده از فیبرهای نوری، خطوط راه دور با ظرفیت ۴۵ یا ۳۴ میلیون بیت در ثانیه راه‌اندازی شده‌اند. در فواصل نزدیک‌تر، از شبکه‌های ۱۵۵ میلیون بیتی استفاده می‌شود و دیری نخواهد پایید که این ظرفیت اطلاعاتی، در شبکه‌های راه دور نیز مرسوم خواهد شد. از هم‌اکنون در جهان پدیده‌های نگران‌کننده شکل گرفته است، که عبارت است از انحصار اطلاعاتی کشورهای ثروتمند. استفاده از تکنولوژی اطلاعاتی، نیازمند سرمایه و دانش فنی است.

در جهان آینده، که اطلاعات به عنوان عامل قدرت، نقشی فزاینده ایفا خواهد کرد، انحصار اطلاعاتی اغیای جهان باز هم به ثروت و قدرت آنها و فقر و ضعف دنیای محروم از اطلاعات خواهد افزود. تنها نکته امیدوارکننده در این میان، این است که قدرت اطلاعاتی، بسیار کمتر از قدرت نظامی به سرمایه و بسیار بیشتر از آن به عامل انسانی و فکری وابسته است. در عصر اطلاعات، کشورهای فقیر از هم‌اکنون محکوم به ایفای نقش‌های درجه سوم نیستند، به شرطی که زمان را در پایند و اولویت‌های رشد خود را با مقتضیات عصر اطلاعات تطبیق دهند. به عنوان نمونه، هزینه تولید و نصب یک شبکه کابل هزار رشته فیبر نوری به طول ده‌هزار کیلومتر، که نیاز کشور و وسعت ایران به شبکه‌های دوربرد را تا حدود ده سال برآورده می‌کند، تقریباً معادل بودجه نظامی و امنیتی سالانه ایران است.

اگر کشوری در حال توسعه مانند ایران، بخواهد از روند برق‌آسای انقلاب اطلاعات عقب نماند، راهی جز فراهم کردن امکانات انتقال مقدار هر چه بیشتر اطلاعات در واحد زمان ندارد. اولاً تعداد استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اطلاعاتی پیوسته رو به افزایش است. اگر تا دیروز، تنها دانشگاهیان و محققان از این شبکه‌ها استفاده می‌کردند، فردا باید هر مدرسه را از این امکان بهره‌مند کرد. ثانیاً توزیع هر چه بیشتر اطلاعات و ظرفیت‌های ذخیره و پردازش آن در سطح وسیع و رواج فزاینده اطلاعات صوتی و تصویری، حجم اطلاعاتی را که شبکه‌ها باید انتقال دهند، به طور تصاعدی بالا می‌برد. در این روند، هر کشوری که ظرفیت شبکه‌های خود را پیوسته افزایش ندهد، خود و شهرت‌اش را از دستاوردهای عصر اطلاعات محروم می‌کند.

تا کنون چند خط کم‌گنجایش ماهواره‌ای، ایران را به اینترنت وصل کرده است. عدم افزایش این ظرفیت، در حالی که هزاران نفر برای استفاده از آن رقابت می‌کنند، در حقیقت حکم عدم ارتباط کامپیوتری ایران و جهان خارج را دارد. در عین حال، ظرفیت پایین و سرعت قابل کنترل، به معنای تسهیل در اعمال سانسور است. گردانندگان و تصمیم‌گیرندگان در مورد خطوط ارتباطی ایران با جهان خارج، باید میان تسهیل در اعمال کنترل و سانسور و عقب‌نماندن از روند جهانی قدرتمند شدن شبکه‌ها، یکی را انتخاب کنند.

ظاهراً جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است راه اول را برگزیند. اهرم‌های مختلف، از گذراندن ارتباطات از صافی‌های مختلف گرفته تا گران کردن هزینه اشتراک، به کار افتاده است تا در ایران، رمز موفقیت اینترنت که باز بودن و عدم کنترل مرکزی آن است، قربانی سانسور شود. این تصمیم، به موقعیت کشور ما درجه‌بندی که جهان‌اطلاعات نام گرفته‌است، لطمه خواهد زد.

(۱)
تحولات جهان در سال‌های اخیر، تنوع فکری گسترده‌ای در میان نیروهای سیاسی و اجتماعی و به ویژه در میان نیروهای چپ پدید آورده است. این تنوع نظر به تعدد تشکیلات چپ افزوده و چشم انداز ایجاد سازمان‌ها و احزاب واحد چپ در هر کشور را از بین برده است. به همان میزان که تنوع فکری در میان نیروهای چپ بیشتر شده است، تنظیم و ایجاد مناسبات صحیح میان گرایش‌های مختلف آن نیز از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده و به یک مسأله استراتژیک تبدیل شده است. اهمیت موضوع در حال حاضر در این است که چپ علیرغم تنوع گسترده فکری در صفوف خود، چگونه می‌تواند یک اراده واحد سیاسی و اجتماعی را برای پیشبرد اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی خود و مقابله با نیروهای راست جامعه سازمان دهد. تجربه همین چند ساله نشان داده که موفقیت نیروهای چپ و حضور آنان به عنوان یک نیروی مؤثر سیاسی و اجتماعی،

یک سوی واقعیت است، که چپ در عین حال‌ارذوبی واحد است. چپ آن جا که در برابر نیروهای راست جامعه، دیکتاتوری، ظلم، نفی حقوق کارگران و زحمتکشان، زن‌ان و جوانان و روشنفکران قرار دارد، واحد است. تأکید بر اختلافات، اگر با تأکید بر وحدت در مبارزه علیه نیروهای راست و پیکار به خاطر دموکراسی و اهداف سوسیالیستی نباشد، تأکیدی یک جانبه، ناصحیح و تفرقه آمیز است. چپ در مبارزه علیه نیروهای راست و در نرسد به خاطر دموکراسی و سوسیالیسم، واحد است و همین وحدت مبنای همکاری‌هایی است که می‌تواند و باید برقرار شود.

(۴)
هیچ کس این موضوع را رد نمی‌کند، که در بین نیروهای چپ زمینه‌های بسیاری برای همکاری و اتحاد عمل وجود دارد. این واقعیت «از نظر اصولی» کاملاً پذیرفته شده است، اما چرا این اصلویت هیچ‌گاه به عمل در

موضوع اساسی این است: اگر چپ ایران در برابر رژیم سرپا ارتجاعی که در هر روز حکومت خود هزاران بار حقوق مردم ایران را نقض می‌کند، نتواند یک همکاری و اتحاد عمل ساده را بین خود سازمان دهد، پس در برابر کدام دشمن و به خاطر کدام هدف می‌تواند به اراده‌ای مشترک دست یابد؟

در درجه اول ناشی از اتخاذ یک سیاست درست، هوشیارانه و منعطف برای بسیج همه نیروهای خواهان دموکراسی و عدالت و ایجاد جبهه‌های وسیع بوده است

(۲)
تحولات جهانی در چپ ایران نیز تأثیرات خود را بر چپ نهاد، حسی بندهای قدیمی را تا حدودی دگرگون ساخت و گرایش‌های تازه‌ای را در آن پدید آورد. در حال حاضر اردوی چپ ایران به دو جریان عمده تقسیم شده است. سرنوشت نهایی این تحولات و سیمایی که چپ ایران در آینده باید داشته باشد، مورد بحث این مقاله نیست. اما احزاب و سازمان‌های چپ در زمان فعلی، خود را اساساً با تعلق به یکی از این دو جریان عمده تعریف می‌کنند. مناسباتی که سازمان‌های چپ در درون هر یک از این دو طیف دارند، تا حدودی به سوی نزدیکی و برخی حرکات مشترک پیش رفته است، لیکن روابط دو طیف عمده چپ هنوز خصمانه است.

در تخریب این روابط، مسئولیت دو جانبه است. گرایش‌ها افراطی در هر دو سو به تخریب مناسبات میان نیروهای چپ دامن زده‌اند. در یک سو، با نفی تحولاتی که طیف بزرگی از چپ در جهت دموکراسی از سرگذرانده، این تحولات را «لیبرالیسم» خوانده و به شیوه همیشگی خود، چپ دموکرات را از طیف نیروهای چپ «اخراج» کرده‌اند و تلاش خود را بر تخریب و تضعیف و افشای آن قرار داده‌اند و در سوی دیگر نیز، چپ سنتی را در کنار نیروهای مستبد و دیکتاتور جامعه نشانده و از طیف نیروهای دموکرات «اخراج» نموده و به شیوه‌ای مشابه سعی در افشا و انزوا و تضعیف آن نموده‌اند.

(۳)
چپ ایران در تجربه طولانی خود، هرگز با اختلافات و تنوع نظری با این عمق و دامنه مواجه نبوده است، این اختلافات موانع جدی سیاسی، ایدئولوژیک و روانی در بین گردان‌های مختلف چپ ایجاد کرده است. اما دشواری بزرگ در جهت نزدیکی نیروهای چپ، دامنه گسترده اختلافات نیست، چگونگی برخورد با این اختلاف نظر است.

با توجه به تحولاتی که در چند ساله اخیر اردوی چپ از سرگذرانده و تنوع نظر گسترده‌ای که در آن به وجود آمده است، این فکر کاملاً غیر واقعی است که بتوان نیروهای چپ ایران را در حزب و جریانی واحد گرد آورد. باید تنوع نظرات در اردوی چپ را پذیرفت. اما پذیرش تنوع و اختلاف نظر تنها

چپ باید شجاعت پا گذاشتن در میدان‌های بزرگ را در خود بیابد

این حرف امروز، بیست سال دیگر و یا صد سال دیگر عملی شود، وظیفه‌ای است که بر عهده داریم و انجام می‌دهیم. وظیفه چپ، تنها مبارزه برای آینده نامعلوم نیست، چپ موظف است چنان حرف بزند و چنان عمل کند، که حرف و عملش بر مبارزه همین امروز توده‌ها اثر بگذارد و اگر چنین نباشد، بدون تردید آینده مورد نظر نیز هیچ‌گاه فرا نخواهد رسید.

(۶)
دنیای امروز ما نشان داده است آنان که بیش از همه در باره تحقق ایده‌های حرف می‌زنند، الزاماً بهتر از همه در راه تحقق آن ایده مبارزه نمی‌کنند. برخی از گروه‌های چپ، با محکوم کردن همه دیگرانی که چون آنان نمی‌اندیشند و عمل نمی‌کنند، خود را تنها انقلابیونی که برای دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، می‌شناسند. اینان در اثبات ادعای خود، تنها می‌توانند بر «اصول گرایی» خود، در تأکیدات پر شمارشان بر شعارهای انقلابی تکیه کنند. اما آنان کمتر از همه در جهت ایجاد و سازمان‌گیری واقعی نیروی چپ اقدام می‌کنند. آن کس به طور واقعی در جهت ایجاد نیروی سیاسی و اجتماعی چپ در جامعه و سازمان‌دهی نیروی واقعی جهت مقابله با سیاست راست عمل می‌کند که مشوق، پرچم‌دار و هموار کننده راه پیکار مشترک همه نیروهای چپ باشد، سرنوشت واقعی این پیکار است که نقش و وزن چپ در آینده جامعه ما را رقم می‌زند و از این رو مسئولیت همه کسانی که برای شکل‌گیری اراده چپ در جامعه ایران می‌کوشند است که عمل خود در این زمینه را مورد بازبینی قرار دهند.

چپ، خلاف همه تبلیغاتی که در چند ساله اخیر در باره پایان یافتن نقش آن به عنوان یک نیروی سیاسی و اجتماعی مؤثر صورت گرفته است، هنوز بالقوه یکی از نیرومندترین و

سیاست تحریم به انزوای دیگران نمی‌انجامد، حصار دور تحریم کنندگان را تنگ‌تر می‌کند و آنان را بیش از پیش در پله‌ای که به دور خویش تپیده‌اند، گرفتار می‌سازد. به منزوی کردن چپ از دیگران و به منزوی کردن گروه خود در میان سایر نیروهای چپ می‌انجامد. رهبران گروه‌های سیاسی چپ را که باید رهبران جنبش سیاسی و اجتماعی توده مردم باشند، بیش از پیش به رهبران فرقه‌های کوچک ایدئولوژیک تبدیل می‌سازد و آنان را از تأثیر گذاری بر سیاست جاری دور می‌کند.

سیاستی، به انزوای دیگران نمی‌انجامد، حصار دور تحریم کنندگان را تنگ‌تر می‌کند و آنان را بیش از پیش در پله‌ای که به دور خویش تپیده‌اند، گرفتار می‌سازد. به منزوی کردن چپ از دیگران و به منزوی کردن گروه خود در میان سایر نیروهای چپ می‌انجامد. رهبران گروه‌های سیاسی و اجتماعی توده مردم باشند، بیش از پیش به رهبران فرقه‌های کوچک ایدئولوژیک تبدیل می‌کند و آنان را از تأثیر گذاری بر سیاست جاری دور می‌کند.

(۷)
ما منتقد فکری هستیم که خود را در موضع حقیقت مطلق می‌داند و از این رو، بدون این که موضع خود را یگانه موضع صحیح بشناسیم، آماده‌ایم تا باب بحث و گفتگو را با هر نیرویی در این جهت باز کنیم. ما آشکارا می‌گوییم مدافع آن روندی هستیم که همکاری و نزدیکی بیشتر نیروهای چپ را در صحنه واقعی مبارزه و نه تنها در «اصول» می‌طلبد. ما خواهان آنیم که مدافعین سیاست تحریم و بایکوت دیگران، مواضع و استدلال‌های خود را آشکارا به بحث گذارند. پیشنهاد ما این است که رهبران سازمان‌های چپ از طریق مباحث و گفتگوی علنی و جمعی مواضع و دلایل خود را به اطلاع همگان برسانند و راه‌های نزدیکی چپ و توافق آن حول حداقل‌های ممکن را به طور جدی در دستور قرار دهند. سازمان ما آماده است تا با هر نیرویی و با هر شرایطی در این زمینه وارد بحث علنی و رودر

بیرون راند. خیال پردازانه است زیرا چنین می‌اندیشد که با تحریم دیگران می‌تواند ریشه «انحرافات» را از صفوف چپ برکند و چپ و طبقه کارگر را با اصول و اندیشه‌های خود غسل تعمید دهد.

(۵)
مبانی سیاست تحریم بر چند چیز است: درک بسیار تنگ نظرانه از چپ، عدم اطمینان به خود، حضور نداشتن در مبارزه سیاسی واقعی و محصور ماندن در مناقشات فرقه‌ای و گروهی، بسیاری چنین می‌اندیشند که اگر دست همکاری به سوی هر نیروی دیگری دراز کنند، به آن نیرو «اعتبار» بخشیده‌اند و به «توهم» توده‌ها نسبت به آن دامن زده‌اند. در این استدلال چند «حقیقت مسلم» وجود دارد که غالباً برای استدلال کنندگان بدیهی است. حقایقی نظیر آن که آنان خود در میان مردم دارای اعتبار کافی هستند، تحریم شونده‌گان در میان توده مردم بی‌اعتبارند و... در نتیجه برای این که به توهم توده‌ها دامن نزنند، ترجیح می‌دهند تا ابد در توهمات خویش باقی بمانند. برای اینان که در پوسته‌های تبلیغاتی، چپ‌کاری است با بازوان ستبر، در اینجا به دختر باکره‌های می‌ماند که به تماشای «غیر» دانش را آورد می‌سازد و معصومیت و قداست آن را از میان برمی‌دارد. اساس این سیاست ناشی از عدم اطمینان به خود، ناشی از عدم شهامت کافی برای وارد شدن در میدانی است که بازیگران دیگری نیز در آن رقیم که چون ما نمی‌اندیشند، چپ‌ها که به اندیشه‌ها و اهداف خود مطمئن است، اگر به خود اعتماد و اتکا به نفس دارد، از همکاری با دیگر نیروهای چپ وحشت زده و هراسان نمی‌شود.

نتیجه سیاست تحریم، با هر استدلال نیک خواهانه‌ای نیز که صورت گیرد، در عمل تحریم و انزوای خود تحریم کنندگان است. چنین نمی‌آید؟ در هیچ جا اختلاف میان حرف و عمل به این اندازه زیاد نیست. همه آن‌ها که از «نظر اصولی» سیاست اتلاف با دیگران را می‌پذیرند، در عمل نمی‌توانند یک نمونه از اتلاف با دیگران، و نه چند سازمان کنار دستی و مثل خود را، نشان دهند. در این یک مورد، گویا اصول گرایان اصلاً علاقه‌ای به عملی ساختن اصول خود ندارند!

موضوع اساسی این است: اگر چپ ایران در برابر رژیم سرپا ارتجاعی که در هر روز حکومت خود هزاران بار حقوق مردم ایران را نقض می‌کند، نتواند یک همکاری و اتحاد عمل ساده را بین خود سازمان دهد، پس در برابر کدام دشمن و به خاطر کدام هدف می‌تواند به اراده‌ای مشترک دست یابد؟ بسیاری از سازمان‌ها و گروه‌های چپ علیرغم تأکیدات «اصولی» خود بر لزوم اتحاد و همکاری حتی با شیطان، در عمل از سازمان دادن یک همکاری کوچک با غیر خود ناتوان و هراسانند و در عوض آمادگی دارند سیاست تحریم، انزوا و تضعیف را حتی در مورد همسایه‌های خود و سازمان‌ها و گروه‌هایی نظیر خود نیز به کار گیرند. در بخش عمده‌ای از چپ، هنوز سیاست تحریم و طرده، سیاست اصلی در مقابل سایر نیروهای چپ است.

در فضای تنگ و بدبینانه کنونی، هر گروه و سازمانی دلایل متعدد برای تحریم دیگران در استین دارد: این یکی فرمیست است، آن یکی بد نام است و سابقه همکاری با خارجی دارد، دیگری هنوز به دیکتاتوری پرولتاریا معتقد و در نتیجه جزو نیروهای استبداد است... سیاست تحریم، یک زنجیره بی‌پایان است. هر تحریم کننده‌ای خود از سوی دیگران تحریم می‌شود. هر جریانی که خود را چپ‌تر و انقلابی‌تر از سایرین می‌داند، به خود حق می‌دهد که دیگران را تحریم، افشا و تضعیف کند و هر جریانی که به سوی راست می‌خزد، به خود حق می‌دهد که گروه‌های چپ‌تر از خود را تحریم، افشا و تضعیف کند. نتیجه واقعی این سیاست، خلاف نیت معتقدان به آن، تقویت موضع چپ، از هیچ نوع آن، نیست.

تحریم، انزوا و افشا، با هر توضیح و توجیهی صورت گیرد، در اساس خود به معنای عدم پذیرش حق موجودیت دیگر نیروهای چپ و تلاش برای تضعیف و از میان برداشتن آنها است. این فکر هم از ارتجاعی و هم به شدت خیال پردازانه است. ارتجاعی است زیرا تنوع نظر و فکر در میان نیروهای چپ را نمی‌پذیرد و به خود حق می‌دهد در مقام داور و ولی ققیه، مرزهای چپ را بر اساس درک خود تعیین کند و به میل خود دیگران را به این عنوان مفتخر سازد یا آنان را از این اردو

قیمت‌های کنونی نفت خام پایدار نیست

حجت‌الله غنیمی فرد مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران هفته گذشته نسبت به خوش‌بینی‌ها و اظهارات مقامات حکومتی نسبت به افزایش درآمد نفت در سال آینده هشدار داد و گفت: در افزایش اخیر قیمت انواع نفت خام در بازارهای بین‌المللی، دلایل سیاسی بیش از عوامل اقتصادی مؤثر بوده‌اند و نباید به سطح کنونی قیمت‌های نفت برای سال آینده خوش‌بین بود. وی اظهار داشت: افزایش میزان تورم جهانی و رکود تجاری ناشی از آن، افزایش تولید نفت کشورهای غیرعضو اوپک، احتمال ورود عراق به بازار نفت (حتی در حد اجرای قرارداد نفت برای غذا) و روی نیابردن دوباره کشورهای مصرف‌کننده

نفت به افزایش ذخایر استراتژیک و فرآورده‌های نفتی، از عواملی است که خوش‌بینی نسبت به ادامه‌ی افزایش بهای نفت در سال میلادی آینده را از بین می‌برد. وی درباره‌ی افزایش اخیر بهای نفت خام در بازارهای بین‌المللی گفت: تشنج در منطقه خلیج فارس و احتمال بروز مشکلات بعدی به دلیل حضور آمریکا در منطقه، نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سرمایه‌ی زودرس در نیمکره‌ی شمالی، کاهش ذخیره‌ی نفت خام و فرآورده‌های نفتی در کشورهای عمده‌ی مصرف‌کننده‌ی نفت و حجم بسیار وسیع معاملات کاغذی نفت در بازارهای بین‌المللی، از دلایل عمده‌ی افزایش بهای انواع نفت خام در بازارهای جهانی طی ماه‌های اخیر

است. وی افزود: اشراف نداشتن به تمام عوامل تعیین‌کننده‌ی قیمت نفت که عرضه و تقاضا فقط بخشی از آن است، ابهام‌هایی را ایجاد کرده است به خصوص آنکه حجم معاملات کاغذی نفت در بازار بیش از سه برابر میزان واقعی تولید و مصرف نفت در نیابت و این معاملات بر بازار مبادلات واقعی نفت خام تأثیر گذاشته است. به گزارش دبیرخانه‌ی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، میانگین بهای سبدنفتی این سازمان ظرف هفته‌های گذشته به ۲۳/۶۱ دلار در هر بشکه افزایش یافت. این رقم سه هفته قبل معادل ۲۲/۳۲ دلار و چهار هفته پیش ۲۲/۵۹ دلار بود. براساس محاسبات دبیرخانه‌ی اوپک، میانگین بهای نفت این سازمان از ابتدای سال

محصولات کشاورزان خریداری ندارد

علی سعادت استاندار آذربایجان غربی ماه گذشته با اشاره به کاهش شدید قیمت محصولات کشاورزی در استان آذربایجان غربی دلیل آنرا توقف صدور محصولات اعلام کرد و گفت: فرآورده‌های تبدیلی کشاورزی در واحدهای تولیدی متراکم شده و عملکرد کم‌تر در سال ۷۵ نشانگر رکود کامل در بخش صادرات کشاورزی است. وی عامل این رکود را مقررات مربوط به اخذ پیمان ارزی دانست و گفت: قیمت برخی از محصولات کشاورزی در سال جاری به پایین‌ترین حد خود در چند سال اخیر رسیده و تعدادی از کشاورزان مجبور به معذور کردن محصولات خود شده‌اند. وی گفت: اسامال قیمت گوجه‌فرنگی که از محصولات پرسود

میزان مصرف انواع مواد غذایی در ایران

براساس گزارش انستیتو تحقیقات تغذیه‌ی و صنایع غذایی کشور سرانه‌ی مصرف گندم در سال ۷۲ معادل ۱۷۸ کیلوگرم، برنج ۶۳/۲ کیلوگرم، لبنیات (بجز کره) ۷۳/۱ کیلوگرم، روغن نباتی ۱۱/۱ کیلوگرم، گوشت قرمز ۱۱/۵ کیلوگرم، گوشت سفید ۱۰/۱ کیلوگرم، انواع حبوبات ۷/۳ کیلوگرم و تخم‌مرغ ۷ کیلوگرم بوده است. مردم کشورمان براساس این آمارها، بیشترین میزان کالری مورد نیاز خود را از طریق مصرف گندم تأمین می‌کنند. براساس بررسی‌های انجام شده، در ۳۰ سال اخیر مصرف مواد کم‌پروتئین و کم‌انرژی، کم‌خونی و کمبود ید مهمترین مسائل ناشی از تغذیه‌ی ناصحیح در کشور بوده‌اند. پروتئین مورد نیاز هر نفر در روز

فاجعه‌ئی زیست‌محیطی در پیش روست

«جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست»، که اخیراً در کشور ایجاد شده است، اعلام کرد که شهرسازی در مسیر بزرگراه تهران - شمال به فاجعه‌ی زیست‌محیطی منجر می‌شود. این جمعیت با اشاره به اعلام برنامه‌ی شهرسازی در مسیر آزادراه در دست احداث تهران - شمال، این طرح را مغایر با اکوسیستم منطقه و حفظ حیات جنگل‌ها دانسته است. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست خواستار انطباق پروژه‌ی راهسازی با ضوابط توسعه‌ی پایدار و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها شده است. در اطلاعیه این جمعیت آمده

تغییر بنیادی نظام آموزشی؟

خواستار شده است که ظرفیت دوره‌ی پیش‌دانشگاهی را در سال‌جاری افزایش دهد و مردودین از مومن پیش‌دانشگاهی را بپذیرد. همچنین دولت موظف خواهد شد لایحه‌ی برنامه‌ی بنیادی نظام آموزش را که تنها به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، به تصویب مجلس رژیم نیز برساند و تا تصویب نهایی این لایحه، تغییر بنیادی نظام آموزشی به صورت آزمایشی اجرا شود.

سرشماری عمومی کشور آغاز شد

از روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته پنجمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور توسط بیش از ۲۵ هزار آمارگیر در سراسر ایران آغاز شد. طی ۲۵ روز اجرای سرشماری، مأموران به تمامی منازل و مراکز موجود در سراسر کشور مراجعه و اطلاعات جامع

از روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته پنجمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور توسط بیش از ۲۵ هزار آمارگیر در سراسر ایران آغاز شد. طی ۲۵ روز اجرای سرشماری، مأموران به تمامی منازل و مراکز موجود در سراسر کشور مراجعه و اطلاعات جامع

فدای را بر روی شبکه جهانی اینترنت

Internet

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌ی نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و همچنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW، زیر آدرس: <http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/> ملاحظه فرمایند. مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گرسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

خبرهای کوتاه

طرح استیضاح بشارتی در مجلس

سرانجام پس از کشمکش بسیار و کارشکنی‌های مکرر رئیس مجلس شورای اسلامی به‌عنوان شاخص‌ترین فرد از جناح روحانیت - بازار حکومت در مجلس، طرح استیضاح محمدعلی بشارتی وزیرکشور رژیم با امضای ۲۲ تن از نمایندگان جناح دیگر به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این نمایندگان ۸ مورد را به‌عنوان دلایل تقاضای استیضاح خود ذکر کرده‌اند که ایراد سخنان غیر اسلامی از جمله در سخنرانی اخیر وی در تبریز، عزل و نصب بیجای استانداران و نبود امنیت در کشور از اهم آن به شمار می‌رود.

قزوین هم استان می‌شود

به دنبال استان شدن شهرستان قم، ایجاد استان قزوین بار دیگر در دستور کار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت. دولت لایحه‌ی مربوطه را سرانجام در روز ۲۴ مهرماه به مجلس ارائه نمود.

دو سال پیش مجلس چهارم رژیم، به لایحه‌ی استان شدن قزوین رأی مخالف داد و به این ترتیب اعتراض شدید مردم این شهر را برانگیخت. مردم قزوین در آن هنگام با انجام تظاهراتی که چندروز مداوم یافت، موجب نگرانی شدید سران رژیم شدند. این بار انتظار می‌رود که مجلسیان، به منظور پیش‌گیری از عواقب احتمالی، لایحه‌ی مزبور را باشتاب به تصویب برسانند.

افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی

قیمت بلیت پروازهای داخلی بار دیگر در حدود ۲۵ درصد افزایش یافت. از هفته‌ی گذشته قیمت بلیت کلبه‌ی شهرها به جز چند شهر که محروم محسوب می‌شوند، افزایش چشمگیری یافته است. به‌عنوان نمونه افزایش بهای بلیت رفت و برگشت تهران به چند شهر داخلی به شرح زیر است: مشهد از ۴۹۶۰ تومان به ۱۲۳۰۰ تومان، اصفهان از ۳۱۶۰ تومان به ۸۰۰۰ تومان، شیراز از ۴۳۶۰ تومان به ۱۲۳۰۰ تومان، تبریز از ۳۵۶۰ تومان به ۹۹۰۰ تومان، بندرعباس از ۵۵۶۰ تومان به ۱۸۴۰۰ تومان و اهواز از ۴۵۶۰ تومان به ۱۰۳۰۰ تومان.

شرایط پذیرش دانشجویان مقیم خارج

شرایط اختصاصی ادامه‌ی تحصیل دانشجویان مقیم خارج در دانشگاه‌های کشور اخیراً بدین شرح اعلام شد: داشتن معدل ۱۲/۵ یا معادل آن و گذراندن دست کم ۳۶ واحد درسی برای داوطلبان ادامه‌ی تحصیل در رشته‌های کارشناسی داخل کشور. متقاضیان انتقال به داخل کشور در رشته‌های کارشناسی ارشد نیز باید دست کم ۱۶ واحد درسی را با معدل ۳ از ۴ یا معادل آن گذرانده باشند. دانشجویان متقاضی دوره‌ی دکتری نیز باید علاوه بر گذراندن تمامی واحدهای درسی، نوشتن پایان‌نامه‌ی خود را آغاز کرده باشند.

هما به آفریقا پرواز می‌کند

از روز پنجشنبه ۲۶ مهرماه با پرواز یکی از هواپیمایهای شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما) به کشور اوگاندا، پروازهای مرتب این شرکت به آفریقا آغاز شد. به گفته‌ی مدیرعامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، پروازهای هما هر هفته روزهای پنجشنبه از تهران حرکت و از مسیر دوبی به اوگاندا و کنیا پرواز خواهد کرد و پس از توقف کوتاه در فرودگاه انشبه در اوگاندا به نایروبی پایتخت کنیا پرواز و از همین مسیر به تهران مراجعت و روز شنبه وارد تهران می‌شود.

تهیه شناسنامه فنی برای ساختمان‌ها

تا پایان اسامال قرار است طرح تهیه‌ی شناسنامه‌ی فنی ساختمان‌های تهران به اتمام برسد. در این طرح ساختمان‌های مختلف شهر تهران بازدید و نقاط ضعف طراحی و اجرا و نیز عملکرد سازه‌ی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. قرار است طرح مذکور برای تهیه‌ی اطلاعات لازم در زمینه‌های میزان آسیب‌پذیری بناها در مقابل سوانح طبیعی از جمله زلزله و سیاست‌گذاری نحوه‌ی مقاوم‌سازی آنها بکار رود.

کتاب اول به صورت دیسکت

مجموعه اطلاعات موجود در کتاب اول تهران (یلوپیج) که خبر انتشار آن چند ماه قبل درج شد، قرار است هم‌چنین به صورت نرم‌افزار کامپیوتری و رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. پیش‌بینی شده است که اطلاعات موجود در این نرم‌افزار هر سه ماه یکبار پایزایی و اصلاح شود. توزیع کتاب اول که از اواسط شهریور ماه در تهران آغاز شده است، از سوی شهرداری تهران با هدف توسعه فرهنگ اطلاع‌رسانی شهری و کاهش سفرهای درون شهری صورت گرفته است.

کتاب تربیت بدنی برای دانش آموزان

به گفته‌ی مصطفی قنادها مدیرکل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش قرار است که از سال آینده کتاب درس تربیت‌بدنی در مقطع ابتدایی در مدارس کشور تدریس شود و از هم‌اکنون ۱۷ نفر از استادان دانشگاه و کارشناسان و مربیان تربیت‌بدنی کار تألیف و تدوین آن را به عهده گرفته‌اند.

اتصال اردبیل به راه آهن سراسری

رفسنجانی رئیس جمهور رژیم هفته‌ی گذشته در حضور مردم اردبیل اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی برای عمران و آبادی استان اردبیل برنامه‌های وسیعی دارد و از نظر ارتباطی، در آینده اردبیل با ساخت خط آهن میانه به اردبیل و امتداد آن به راه‌آهن جمهوری آذربایجان، به شبکه سراسری راه‌آهن و از طریق جاده نیز به آزادراه تبریز - زنجان متصل خواهد شد.

است: «وقتی در تمام‌دنیا روند نابودی جنگل‌ها به دلیل توسعه‌ی بی‌رویه فاجعه اعلام می‌شود، در کشور ما که وسعت جنگل در مقایسه با مساحت خاک بسیار اندک است، اجرای پروژه‌ی شهرسازی در مسیر بزرگراهی که قرار است از مناطق جنگلی عبور کند، منجر به یک فاجعه‌ی زیست محیطی می‌شود.» جمعیت مذکور از مسئولان حکومتی خواسته است با جهت‌گیری صحیح در روند توسعه از فداشدن محیط زیست و منابع طبیعی برای بدست آوردن سودهای کلان اقتصادی جلوگیری کنند.

قیمت‌های اخیر اقلام مصرفی در تهران

کیلوگرم سیب‌زمینی و پیاز ۵۰ تا ۸۰ تومان، مرغ هردانه ۴۷۰۰ تا ۵۸۰۰ تومان، تخم‌مرغ (هر شانه) ۵۳۰ تا ۵۵۰ تومان، چای ۵۰۰ گرمی داخلی بر بسته ۲۳۵ تا ۲۷۰ تومان، انواع پنیر داخلی هر کیلوگرم ۷۵۰ تا ۹۵۰ تومان، گوشت گوسفندی مخلوط هر کیلوگرم ۱۰۰۰ تا ۱۲۵۰ تومان، گوشت گاوی هر کیلوگرم ۱۰۸۰ تا ۱۳۰۰ تومان، لوبیا قرمز هر کیلوگرم ۲۷۰ تا ۴۰۰ تومان، انواع ماکارونی ۹۰۰ گرمی ۱۲۰ تا ۲۰۰ تومان، گوجه‌فرنگی هر کیلوگرم ۳۰ تا ۴۰ تومان، قیمت هر کیلوگرم لوبیاچی ۳۳۰ تا ۴۰۰ تومان، هر کیلوگرم لپه ۲۳۰ تا ۳۵۰ تومان، هر کیلوگرم نخود ۱۸۰ تا ۲۲۰ تومان و هر

تشکیل اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی

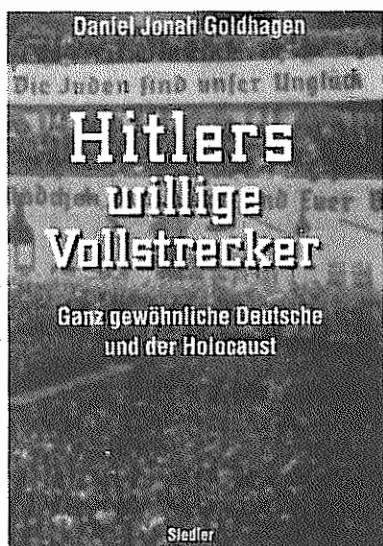
دومین اجلاس کمیته‌ی هماهنگی اتحادیه‌ی مجالس قانونگذاری کشورهای اسلامی هفته‌ی گذشته با شرکت نمایندگان ۹ کشور فلسطین، سودان، لیبی، سوریه، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، کویت و ایران در تهران گشایش یافت. لاریجانی درباره‌ی نحوه‌ی تدارک این اجلاس گفت: به منظور تشکیل بین‌المجالس کشورهای اسلامی، اجلاسی در پکن تشکیل شد و ۱۳ کشور به عنوان نماینده‌ی کشورهای اسلامی برای

قیمت هر کیلوگرم قند ۱۶۳ تا ۲۰۰ تومان، مرغ هردانه ۴۷۰۰ تا ۵۸۰۰ تومان، تخم‌مرغ (هر شانه) ۵۳۰ تا ۵۵۰ تومان، چای ۵۰۰ گرمی داخلی بر بسته ۲۳۵ تا ۲۷۰ تومان، انواع پنیر داخلی هر کیلوگرم ۷۵۰ تا ۹۵۰ تومان، گوشت گوسفندی مخلوط هر کیلوگرم ۱۰۰۰ تا ۱۲۵۰ تومان، گوشت گاوی هر کیلوگرم ۱۰۸۰ تا ۱۳۰۰ تومان، لوبیا قرمز هر کیلوگرم ۲۷۰ تا ۴۰۰ تومان، انواع ماکارونی ۹۰۰ گرمی ۱۲۰ تا ۲۰۰ تومان، گوجه‌فرنگی هر کیلوگرم ۳۰ تا ۴۰ تومان، قیمت هر کیلوگرم لوبیاچی ۳۳۰ تا ۴۰۰ تومان، هر کیلوگرم لپه ۲۳۰ تا ۳۵۰ تومان، هر کیلوگرم نخود ۱۸۰ تا ۲۲۰ تومان و هر

نگاه یک سویه به تاریخ

درباره‌ی کتاب «جلادان داوطلب هیتلر»

ح - بهداد



قدمتی به درازای تاریخ مسیحیت دارد و تنها به مفهوم جدید و نژادپرستانه‌ی آن که از سده‌ی پیش آغاز شده منحصر نمی‌گردد. شدت و ضعف این گرایش هم در هر دوره‌ی تابعی از رقابت‌ها و شرایط سیاسی و اقتصادی بوده است. این گرایش پیش از آن که در رژیم فاشیستی آلمان به یهودی‌کشی گسترده بیانجامد در اروپای شرقی، اسپانیا و ایتالیا بارها قربانی گرفته بود. در جنگ‌های آزادیبخش کوساک‌های اوکراین بر علیه لهستان در فاصله‌ی ۱۶۸۴-۱۶۵۴ صدها هزار یهودی کشته شدند. در سال ۱۹۰۳ شمار زیادی از یهودیان روسیه قربانی حملات و تهاجمات شدند که پلیس تزاری در سازماندهی آن دخیل بود. در گریز از این حملات و قتل‌ها و نیز برای فرار از کشت و کشتارهای دیگر دهه‌های نخست قرن جاری، بسیاری از یهودیان، آلمان را تنها پناهگاه امن خویش می‌دانستند. در این دوران یهودیان در آلمان موقعیت اجتماعی مناسب و مطلوبی داشتند. نویسنده‌ی قانون اساسی جمهوری وایمار یعنی هوگو پرویس و تعداد چشمگیری از وزیران این جمهوری یهودی بودند. این داده‌ها و واقعیات تاریخی مانع از آن‌اند که گرایش ضد یهودی در مردم آلمان را به لحاظ شدت و سابقه‌ی آن از سایر مردم اروپا متفاوت بدانیم و یابیم اغراق‌های گلدهاگن گونه و بدون التفات به شرایط تاریخی و اجتماعی و کارکرد قدرت سیاسی، در توصیف این گرایش تلویحاً به مرز و ویژگی‌های ژنتیک نزدیک شویم. دودیکسر آن که هیتلر عمده‌تاً بر سرست تبلیغات یهودی‌ستیزانه نبود که به قدرت رسید و در وهله‌ی اول هم نه به نابودی یهودیان بلکه به قلع و قمع نیروهای چپ کمربست. یکی از اتهامات معروف رژیم نازی بر علیه یهودی‌ها هم این بود که آنها سلسله‌چنان بشویم هستند. گلدهاگن خود در صفحه‌ی ۱۱۴ کتاب خویش می‌نویسد: «نازی‌ها موفق به کسب قدرت شدند زیرا چندین عامل برای این کار فراهم آمده بودند: بحران اقتصادی، اشتیاق برای پایان یابی بی‌نظمی و خشونت سازمان‌یافته در خیابان‌ها که جمهوری وایمار از آن آسیب می‌دید، خطر کسب احتمالی قدرت توسط نیروهای چپ، ایدئولوژی ناسیونال سوسیالیستی و سرانجام شخصیت هیتلر». اولین انتخابات مجلس تحت حکومت هیتلر در ۵ مارس ۱۹۳۳ در شرایط ممنوعیت فعالیت کمونیست‌ها و محدودیت‌های شدید برای سایر نیروهای چپ برگزار شد و از آن پس بود که یهودی‌ستیزی نیز به طور رسمی در دستور کار قرار گرفت. با این همه هیتلر و هیملر (رئیس گشتاپو) تنها پس از اولین شکست‌های سنگین در جبهه‌های جنگ و حملات هوایی سنگین به شهرهای آلمان بود که در مورد «حل قطعی» مسئله‌ی یهود (نابودی کامل یهودیان) تصمیم گرفتند. در واقع کشتار یهودیان برای رهبران نژادپرست نازی از مقدمات یک «جنگ کامل» بود و نه هدف آن. اما گلدهاگن هدف جنگ را که ارضای عظمت‌طلبی رژیم هیتلری و سلطه‌ی سرمایه‌داری انحصاری آلمان بر اروپا بود، با شیوه‌ها و مراحل آن تعویض می‌کند. نکته‌ی سوم آن که بدون زیستن در متن یک حکومت ایدئولوژیک و اقتدارگرا به سختی می‌توان علت انفعال مردم

دیرینه‌ی خود و از یادمان‌های نیاکان خود در ژرفای ذهن خود نهفته و اندوخته‌اند، ناخودآگاه بسیاری آن مردم را پدید می‌آورد و گلدهاگن برای یهودی‌ستیزی در جامعه‌ی آلمان چنین خصلتی قائل می‌شود. وی با بررسی ساختار، اسناد، نامه‌ها و خاطرات اعضای گردان ۱۰۱ پلیس آلمان و شرح جزء به جزء جنایاتی که توسط آنها علیه یهودیان لهستان صورت گرفته نتیجه می‌گیرد که این افراد همه با میل و رغبت و براساس انگیزه‌ی درونی یعنی همان گرایش یهودستیزی به چنین جنایاتی دست یازیده‌اند و زور و اجبار و القانات حکومتی بر عمل و رفتار آنها تأثیر چندانی نداشته است. به گفته‌ی گلدهاگن این رفتار مشخص افراد گردان مذکور نبوده است و هر آلمانی دیگری بر مبنای یهودی‌ستیزی نهفته در ذهن او می‌توانسته است به راحتی و با کمال میل چنین کاری را به عهده بگیرد. وی برای مدلل کردن ادعای خویش یادآور می‌شود که گردان‌های پلیس در حکومت هیتلری کمتر از سایر نهادها در خیل در جنگ تحت تأثیر القانات و تبلیغات جنگی، فاشیستی و ضد یهودی حکومت بوده‌اند و به ویژه افراد ذخیره این گردان‌ها که به خدمت فراخوانده می‌شده‌اند تنها ۳ ماه دوره‌ی آمادگی می‌دیده‌اند و این مدت برای شستوشوی مغزی آنها کفایت نمی‌داده است، لذا یهودی‌کشی و وحشیانه توسط آنها در وجه عمده گرایش و تصمیمی فردی و داوطلبانه بوده است و این رفتار را نمی‌توان به ترس از حکومت و اطاعت اجباری از فرامین رهبران نازی نسبت داد. عدم مقاومت رسمی و علنی در جامعه‌ی آلمان علیه تبعید و کشتار یهودیان را گلدهاگن دلیلی بر تأیید این پدیده از سوی همه‌ی آلمانی‌ها می‌داند و بر این اساس اعضای گردان مزبور را نماینده‌ی مردم آلمان می‌داند، مردمی که به گفته‌ی گلدهاگن برای همه‌ی آنها از بین بردن یهودی‌ها امری مشروع و ضروری بوده است. گلدهاگن در پیگیری این ادعاهای خویش به رد تئوری مارکس مبنی بر تبعیت شعور انسانی از هستی اجتماعی وی می‌پردازد و عکس این موضوع را درست می‌داند: «برعکس گفته‌ی معروف مارکس مبنی بر تبعیت شعور انسانی از هستی اجتماعی وی، پژوهش‌های کتاب جلادان داوطلب هیتلر از این اصل می‌آغازد که شعور انسان هستی اجتماعی او را تعیین می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ سیاسی آلمان که یهودی‌ستیزی کشنده شاخص آن بوده است هم رهبران نازی و هم مردم عادی این کشور را به تعقیب و نابودی یهودیان برانگیخته است.» (ص ۵۲۳) در مورد کتاب گلدهاگن، در آلمان نقدهای متفاوتی نگاشته شده و بحث‌های رادیو-تلویزیونی گسترده‌ی به راه افتاده است. در برخی از این نقدها که به ویژه از سوی روشنفکران و تاریخ‌دانان راست آلمان مطرح شده با عمده شدن مسائل فرعی و گمراه‌کننده‌ی همچون جوانی نویسنده و با اصل و نسب یهودی وی، کتاب‌اش فاقد ارزش تحقیقی و تاریخی ارزیابی شده است. اما صرف نظر از این انتقادات بی‌ماه، برخی نکات را در باره‌ی درونمایه‌ی کتاب گلدهاگن و ادعاهای او می‌توان مطرح کرد که اشاره به پاره‌ی آن‌ها در این مقاله شاید پر بیجا نباشد:

نخست آنکه یهودی‌ستیزی پدیدهنده‌ی قدیمی است که

درباب ظهور فاشیسم هیتلری و یهودی‌کشی گسترده در جنگ جهانی دوم تاکنون کتاب‌ها و آثار فراوانی انتشار یافته‌اند که در آنها از زوایای گوناگون به این پدیده‌ها نگرین شده است. برخی آن را نوعی غنچه‌ی بدخیم سرمایه‌داری انحصاری و بربریتی فرآورده‌ی آن در پایان کار قدرت‌نمایی خود دانسته‌اند (هربرت مارکوزه)، برخی دیگر آن را کابوس توسعه‌یافته‌ی گرایش‌های غالب عصر جدید خوانده‌اند که در متن آن و از رهگذر امپریالیسم، تشکیلات مستعمراتی و رشد و نمو ملیت‌پرستی شکل‌هایی از آگاهی اجتماعی پدید آمده است که بر شریک را به نحوی بی‌پایان هر لحظه باز بچه و چکش خور سلطه و طغیان اراده و قدرت می‌سازد (هانا آرنه / ریشه‌های توتالیتاریسم)، کسی که هم چون الیاس کانتی در کتاب «قدرت و توده‌ها» «میل به کشتن» را نوعی غریزه‌ی طبیعی در انسان‌ها می‌داند که تمدن بشری در طول ۲۰۰۰ سال گذشته به تدریج و با وضع قوانین بر آن مهار زده است، اما هر جا که این محدودیت‌ها برداشته شود، این غریزه سربرآورده و میدان عمل می‌یابد. به نظر کانتی ۱۲ سال حکومت هیتلر دوره‌ی است که در آن قبح کشتن از میان می‌رود و آن «غریزه‌ی طبیعی» عرض اندام می‌کند و در نگاه تاریخ‌دانی هم چون اریک هابسبام فاشیسم به عنوان واکنشی ناشی از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و ترس از رادیکالیسم جنبش کارگری که عمده‌ترین نمودش در بلشویسم روسی بود، قابل ارزیابی است ...

پیداست که این نقطه نظرها و نیز دیدگاه‌های دیگری که در رابطه با ظهور فاشیسم هیتلری طرح شده‌اند اولاً همه از لحاظ درستی و جامعیت در یک سطح قرار نمی‌گیرند و از میان آنها طبعاً نظرانی که با پرهیز از تک‌بعدی دیدن امور و پدیدها بیش از همه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و تاریخی استناد می‌جویند از اهلیت علمی بیشتری برخوردارند؛ ثانیاً هیچ‌گاه نمی‌توان این نقطه‌نظرها را آخرین و غایی‌ترین ارزیابی کرد، چرا که در هر دوره با انکاب به اسناد و یافته‌های جدید نگاهی متفاوت به گذشته ضرورت می‌یابد. به علاوه در چهارچوب تعریف معینی از تاریخ یعنی «دیدن گذشته از روزن حال»، می‌توان و باید که دوران‌های گذشته را پیوسته موضوع ارزیابی‌های جدیدتری قرار داد. تا آنجا که به بررسی دوباره‌ی فاشیسم هیتلری و یهودی‌کشی جنگ جهانی دوم باز می‌گردد اخیراً از سوی آقای دانیل گلدهاگن، پروفیسور جوان دانشگاه هاروارد آمریکا کتابی منتشر شده است با نام «جلادان داوطلب هیتلر» که بحث و جدل‌های بسیاری را در آمریکا و آلمان برانگیخته است. گلدهاگن در کتاب ۷۳۰ صفحه‌ی خود عامل اصلی یهودی‌کشی در جنگ جهانی دوم را نه به قدرت رسیدن حکومت فاشیستی هیتلر، بلکه وجود یک گرایش یهودی‌ستیزی کشنده و خطرناک در ذهنیت مردم آلمان می‌داند، گرایشی که هیتلر و حکومت وی برآیند آن و در عین حال تشدید کننده و سازمان‌گر آن بوده‌اند. نویسنده‌ی «جلادان داوطلب هیتلر» در بخش‌های اول کتاب خود چگونگی شکل‌گیری یهودی‌ستیزی در ذهنیت مردم آلمان در طول سده‌های اخیر را برمی‌رسد و این گرایش را تا حد ناخودآگاه تباری فرامی‌کشد. گرچه گلدهاگن از اصطلاح «ناخودآگاه تباری» استفاده نمی‌کند، اما توضیحات وی با منظوری که برخی هواداران کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس مطرح سوسیالیست و وضع این اصطلاح در نظر داشته‌اند هم خوانی دارد. ناخودآگاه تباری به گفته‌ی واضع آن در حد فاصل ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی مورد نظر یونگ می‌گنجد. در واقع آنچه که مردم یک سرزمین از فرهنگ

رفیق و دوست گرامی بهار

مجلس ترحیم

رفیق نیمه شادم، امید عزیز

با سلام، از دور دستان مهربانت را می‌فشارم. باور کن هیچ وقت فکر نمی‌کردم که از قلم تو یکی یاس ببارد. همیشه انتظار داشتم در این فضای خون‌آلود که فقط تولد زخمی تازه و جانگیر همیشه داغ‌ترین خبر است و همه از دست زمانه می‌نالند تو با سروده‌ی حماسی نویی به میدان درآیی و آرزوی دیگر بیافرینی و مبارزه را بُعد دیگری ببخشی و با تدبیری نو حیل‌های رویاهان را بر ملا کنی.

وقتی که آخرین داستان کوتاهت «پسری که مشقش را پاره کرد» را خواندم برخورد لرزیدم، گفتم حتماً به آخر خط رسیده‌ایم و دیگر هیچ امیدی به پرواز اندیشه و نجات قلم نمانده است. من هم خیلی وقت بود که سر نوشتن مطلبی با خودم بحث داغی داشتم. داستان کوتاهی چون خوره مرا می‌خورد. جرأت نوشتنش را نداشتم. با خود می‌گفتم اگر بنویسم و دورویان گردنه بگیر جلو انتشارش را بگیرند و نگذارند تا جان و تن داستانم ده ضربه محکم پستک انتقاد بخورد و یا فرصتی به آن ندهند که در کوره داغ جلد اهل تمیز قرار گیرد، این کار چگونه آید می‌شود و اگر آید به نشود قهرمان داستانم چگونه راه پر پیچ و خم نفوذ به اهل دل را طی کند؟ اگر بنویسم چگونه از دستش رها بشوم. او یک آن مرا راحت نمی‌گذارد و در هر فرصتی که مرا تنها بیابد به سراغم می‌آید و چه سرکوفت‌ها که به من نمی‌زند. از ترسش جرأت نمی‌کنم به مشروب دست بزنم. می‌ترسم اگر مشروب بخورم شاید الکل اراده‌ام را کمی شل کند و او در پیچ‌های لایبرنت مغزم منتظر چنین فرصتی باشد که مرا در چنین احوالی بیابد تا نتوانم قاطع در مقابلش و ایستم و او فوری قلم بدستم بدهد و تو خودت من را می‌شناسی. من اگر چیزی را شروع کنم دیگر کار از کار می‌گذرد. بالاخره بعد از کشمکش‌های زیادی تصمیم را گرفتم. بنظر خودم نتیجه‌اش در درجه‌ی اول به نفع من و شاید در طولانی مدت به سود شماها نیز باشد.

من طی نامه یک‌سری از رفقا و دوستان خیلی نزدیک را،

با سلام، خیلی وقت است از خط و ریبطت بی‌خبرم، لذا مجبورم برای کسب خبری از حال و وضعیت از ته‌مانده‌ی سوادم استفاده کنم و چند خط پایین را برایت بنویسم. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که این علم کتابتی که ماها یادش گرفتیم غیر از همین موارد نام‌نگاری هیچ وقت یار و مددکار ما نبوده است و دردی را از ما دور نکرده است و شاهد هنوز زنده خودت که چند خرمن آتش نیز به جانمان افکنده است. فعلاً از تو بگویم تا چند وقت پیش اگر از خودت هم خبری نبود لاف از طریق نوشته‌هایت که هر از چند گاهی اینجا و آنجا منتشر می‌شدند آدم از ادامه‌ی حیات مطلع می‌شد. اما خیلی وقت است هیچ جا چیزی از تو منتشر نشده است تا با دیدنش هم ما از دل غیاری بزدایم و هم مطمئن گردیم که لاف تو یکی هنوز رمقی داری و تیغ ارشاد حلقومت را نبریده است. زبانت لال نکند مثل من فقط جان را حفظ کرده‌ی ولی اخته‌ات کرده‌اند و تو هم جرأت و جسارت را بوسیده و کنار گذاشته‌ی و یا اینکه طبع روال همیشگی اصرار داری حقیقت را بدون زور و زورق بنمایانی و بهمین دلیل کسی جرأت نمی‌کند چیزی را از تو منتشر کند. علت هرچه باشد در دیدار از زیانت بیرون خواهم کشید. این نامه را به آدرس قدیمی‌ات می‌فرستم البته با این تحلیل ساده که وضع مالی‌ات بعلت وضع فکری‌ت نمی‌تواند فرق چندانی کرده باشد و در نتیجه تو از هر تغییری بگریستی حتی تغییر آدرس. تلفنت را هم با رمز و راز نوشته بودم اما به جان شاهین همه رموزات را بر اثر فشار این روزگار بدهن ریش نتراشیده فراموش کرده‌ام و بهمین دلیل نتوانستم موضوع را تلفنی بپت خبر بدهم و تو تا حدود زیادی با روحیات من آشنا هستی و می‌دانی که برابم خیلی گران می‌آمد شماره‌ات را از دیگران بگیرم. سخن کوتاه، هدف از نوشتن این نامه دعوت شما به مجلس ترحیم یک دوست بسیار عزیزمان است. اگر لباس رسمی سیاه برونک روزگار ما را ننداری خودت را بزمحمت نینداز و با همان شلوار لی زمان دانشجویی‌ات بیا. مجلس ترحیم در خانه‌ی من روز ۵شنبه تاریخ ۱۵ خرداد ساعت ۶ بعدازظهر تشکیل خواهد شد.

ارادتمند مهرور

کمکت می‌آیم و مغزت را از رنج تفکر می‌رهانم. هیچ یادتی می‌آید وقتی آخرین بار دیدمت و ازت پرسیدم به چه کاری مشغولی چه جوابی بمن دادی. گفتی بین طبقات در پروازی و هر روز از پایگاه متفکرین متحد پروتاریا با یک هوایمی‌کاغذی به‌سوی پایگاه‌های طبقات خرده بورژوازی و حتا پایگاه کارگزاران بورژوازی پرواز می‌کنی و هفته‌ها در آسمان این پایگاه‌ها چرخ می‌زنی تا اجازه‌ی فرود بگیری و خیلی وقت‌ها مورد حملات ضد هوایی قرار می‌گیری و با یک موشک «نه» هوایمیت را می‌سوزاند و خودت با زخمی بر دل به پایگاهت برمی‌گردی. وقتی ازت پرسیدم هوایمی‌کاغذی یعنی چه؟ گفتی خنگ خدا یعنی تقاضانامه‌ی کار.

پیامت را دریافت کردم. اولاً از اینکه من را فراموش نکرده‌ی خیلی متشکرم، ثانیاً مورد اینکه گفته بودی حقیر در همه‌ی زمینه‌ها فراموشکار شده‌ام و حتا دوستان خیلی نزدیک را در بوته‌ی فراموشی گذاشته‌ام و در بوته را هم محکم بسته‌ام، باید بگویم شاید حق با تو باشد. حال در بوته را باز کرده‌ام و دارم به تک تک گوهرهای بزم تو فراموش شده و به نظر خودم به عمد از یاد برده نام می‌نویسم. دلیل این عمد هم همان بازجویی‌های احتمالی هستند که همه هر روز در انتظار آنیم. با این وصف که می‌دانم خانه‌ی من زیر نظر شکارچیان ازدهاک است دوست دارم ترا روز پنج‌شنبه ۱۵ خرداد ساعت ۶ بعدازظهر در آغوش کشم و دلیل این کار را در دیدار به تو خواهم گفت.

دوستدارت مهرور

آنهایی که من و تو مشقشان را خط کشیده‌ایم و یا آنها نوشته‌های ما را خط خطی و یا به قول تو جراحی کرده‌اند، برای مجلس ترحیم به خانم دعوت کرده‌ام. بلی درست خواندید مجلس ترحیم عصر پنج‌شنبه ۱۵ خرداد در خانه من.

دوستدارت مهرور

دوست عزیزم مهروداد

با سلام، شاید برایت خیلی غریب باشد که چرا برایت نامه می‌نویسم؟ بابا کار من از این‌ها گذشته و این اواخر کلی آداب معاشرت را یاد گرفته‌ام و انشاءالله مرا بابت این رشد بی‌سابقه خواهد بخشید. یادت هست که می‌گفتی در این مملکت از در و دیوار گریه می‌بارد و با این حال اگر آدم شب و روز هم گریه کند باز هنوز به اندازه‌ی کوهی غصه در چنته‌اش می‌ماند. یادت می‌آید که گفتم هر وقت در مرگ عزیز می‌خواستید گریه کنید حتماً مرا خبر کنید. متأسفانه یکی از عزیزان من و من از میان ما رفته است. سعی کن عصر پنج‌شنبه ۱۵ خرداد به خانه من بیایی.

چشم‌پراخت مهرور

دوست گرامی چنگیز

با سلام و ...

رادین عزیز

با سلام و آرزوی لبخندی بر لبانت و امید به این‌که از سرگردانی نجات پیدا کرده و برای خودت پایگاه طبقاتی ثابتی پیدا کرده باشی. امیدوارم گرفتاری‌هایت آنقدر زیاد نشده باشد که کلمات قصار خودت را که من بخشی از آن را در ابتدای نامه آورده‌ام فراموش کرده باشی. بهرحال وضع طوری است که خاموشی و فراموشی دوی حفظ جان شده و شاید این شربت را بزور به حلقوم تو نیز ریخته باشند، من به

هویت یا هویت‌های امروزی چپ در ایران

نشریه راه آزادی در شماره اخیر خود اعلام رد که در نظر دارد بحثی را پیرامون هویت امروزی چپ در ایران آغاز نماید. در مقاله‌ای در رابطه با ضرورت و موضوعات این بحث نوشته شد:

«نیروهای چپ در سراسر دنیا در پی زمین‌لرزه فکری و عملی سال‌های ۸۰ به تدریج فلسفه اجتماعی و پروژه سیاسی خود را پی می‌ریزند و تجربه جدیدی را از سر می‌گیرند. روی‌کار آمدن کمونیست‌های سابق با برنامه چپ و سوسیال دموکراتیک در اروپای شرقی و رشد دوباره آنها در روسیه. یا موفقیت انتخاباتی چپ‌ها در ایتالیا و پادری برخی دیگر از کشورهای اروپا و آمریکای لاتین نشانهای نوزایی چپ به شمار می‌روند. خاندان‌های که اعضای آن بسیار پیش از گذشته از نظر بینش، برنامه و عمل با یکدیگر تفاوت دارند.

این تفاوت‌ها از جمله نتیجه شاخص‌های مهمی است که دوره کنونی را از گذشته‌های دورتر جدا می‌کند:

از یکسو، اندیشه‌های چپ کمتر دعوی جهان‌شمولی دارند (در دورانی که همه چیز به سوی جهانی شدن پیش می‌رود!) و رنگ و بوی تند بومی و منطقه‌ای به خود گرفته‌اند و از این نظر بیشتر بازتاب واقعیت‌های خودپروژه هستند. این ویژگی را می‌توان از نظر فلسفی و اجتماع توضیح داد. دوران فلسفه‌های جهان‌شمول و فیلسوفانی که همگان به شناخت و درد و تئوری‌های آنها باور داشته باشند. سپری شده است. به همین ترتیب، نوسازی‌های بین‌المللی هم‌فکری، هماهنگی و رایزنی در سطح بین‌المللی برای نیروهای چپ به شدت کم‌رنگ و بی‌اثر شده‌اند.

از سوی دیگر، چپ بیش از هر زمان به شدنی بودن برنامه‌ها و اندیشه‌های خود روی آورده است و تلاش می‌کند به آنچه که در حال حاضر

دو برخورد با مسائل کردستان

روشن‌ترین و میهنی مردم کشور ما را در نظر آورد به تایید سیاست‌های صدام و مخالفت با کردان پرداخت. وی افزود: «مگر کرد از قادسیه تانهاوند، و هزار سال پیش از آن از میدان‌های جنوب لیدی تا دروازه‌های تخت جمشید ستون سترگ مقاومت میهنی ایرانیان در برابر امثال عمر و اسکندر نبود؟ مگر از آن زمان که عراق هنوز در بطن اوروک بود و بابل دایر بود و بعل و ایشتر بر مسیر دجله و فرات حکم می‌راندند و اجداد عثمانیان در دشت‌های آسیای میانه می‌زیستند تا همین امروز قوم کرد در همین جغرافیا نمی‌زیست؟ مگر مالکیت کرد بر ایران تاریخی کمتر از مالکیت فارس و آذربایگانی و دیگران بوده‌است؟ و آقای همایون از برخورد قدرتمند ترکیه علیه کردها تمجید می‌کند. این موضع بر پایه کدام تاریخ و منافع استوار است؟ بازنده میلیون انسان کرد هم تبار و هم تاریخ شما زیر سلطه ناسیونالیسم عظمت‌طلب ترکیه از هر گونه حقوق قومی و ملی و حتی انسانی محروم شده‌اند. کدام انگیزه «ملی» رهنمای شما است که در سرکوب این مردم رنجیده‌یاد با شویسم ترکیه جسد می‌شود؟»

رفیق مبینی تایید ناسیونالیسم عراق را مورد انتقاد قرار داده و نوشت: «منظور شما از ناسیونالیسم عراقی چیست؟ آیا در این «ناسیونالیسم عراقی» مورد تایید شما منافع ملت کرد عراق و ناسیونالیسم کرد عراق هم مستر است؟ شما حتی نمی‌توانید دشمنی این ناسیونالیسم با شیعیان عرب جنوب عراق را نیز کتمان کنید. ناسیونالیسم عراقی مورد تایید شما، که چیزی جز شویسم افراطی عربی نیست، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، دموکرات‌ها و هر نیروی واقعا مترقی عرب رانیز جز به چشم دشمن نمی‌نگرد.»

مستلهای که مطرح می‌شود شناخت این مخالفتها و چگونگی آن است. آیا این مخالفت با جمهوری اسلامی مخالفت با فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی است یا مخالفت با این گروه یا آن گروه‌ستگاه حاکم می‌باشد. «وی اشاره کرد: «همین تفاوت در نوع مخالفت‌ها است که منشأ اصلی نشئت در گفتارها و ناهماهنگی‌ها در بین مخالفین است. در مقابل چنین رویی که سردمداران آن از هیچ جنایتی برای بقای خود رویگردان نیستند و نه تنها بسیاری از مقامات عالی‌رتبه آن به اتهام قتل مخالفین سیاسی قادر به خروج از ایران نیستند. بلکه رئیس جمهوری و ولی فقیه آن در معرض اتهام قرار دارند تنها راه نجات و گریز به مردم‌سالاری تشکیل و توسعه جبهه‌های وسیع از طرفداران حاکمیت ملی است. چه در داخل و چه در خارج از کشور تا بتوان با یکپارچگی و وحدت در مبارزات، اصل حاکمیت ملی را به کرسی نشاند.»

سخنرانی فرخ نگهدار در شماره قبلی و این شماره نشریه کار درج گردیده است.

مقاله‌ای از داریوش همایون تحت عنوان «شکستی برای بازی قدرت‌ها در شمال عراق» درج گردید. داریوش همایون در این مقاله پس از بررسی عواملی که به بحران و درگیریهای اخیر در کردستان انجامید نوشت: «بحران در کردستان عراق از آنجا آغاز شد که دو حزب کرد عراقی که پس از جنگ خلیج فارس می‌خواستند پایه حکومتی را در منطقه خود بگذارند همزیستی با یکدیگر را ناممکن یافتند... جنگ آنها جز ملاحظات و کسبه‌های شخصی و قبیله‌ای بر سر درآمدهای داد و ستد تاجاق میان عراق و ترکیه و ایران بود که شاهرگ حیاتی رژیم صدام حسین است.» و نتیجه‌گیری نمود که «پس از آنچه کردان عراق بر سر خود آورده‌اند دیگر نه کسی می‌خواهد و نه می‌تواند کاری برای آنها کند.»

«پنج سال پیش هنگامی که برای کردان در شمال عراق «پناهگاه امن» در سایه بالهای جنگنده‌های سه کشور باختری برپا می‌داشتند اندیشه یک کردستان مستقل جدا شده از عراق در وائینگتن و تل‌آویو، از روی دشمنی محض با صدام حسین، هواداران نیرومندی داشت. خودمختاری سیاسی کردان عراق نخستین مرحله طرح پیر دامنه‌ای بود که می‌توانست کردستان ایران رانیز دربرگیرد. برای بسیاری از سیاست‌گزاران در آن کشورها و پاردهای کشورهای دیگر، تجزیه عراق و ایران بهترین راه ناتوان کردن دو رژیم منفر، و درگیر کردشان با کشاکشهای پایان‌ناپذیر می‌بود.

بحران شمال عراق ضربت کاری بر این طرح‌ها زده است. دیگر در کمتر جایی می‌توان کسانی را یافت که امید به کردان داشته باشد. اگر روش قدرتمند ترکیه و احساسات ملی‌نیرمند ایرانیان بسنده نمی‌بود،

افزایش فلسفی در تفکر چپ به خوبی مشخص شده است. بخش عمده چپ کمونیستی و افراطی به درجات مختلف با گذشته خود فاصله گرفته و آن را نقد کرده است و همین حالت گذار سبب شده است که این نیروها در برابر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر برخورد انتقادی داشته باشند تا سازنده. سرانجام باید گفت که کثرت‌گرایی در چپ از تنوع و غنای بیشتری برخوردار شده است و دو قطب سنتی کمونیسم و سوسیال دموکراسی جای خود را به طیف وسیع‌تر نیروهای داده است که هویت خود را نه ضرورتا در یک از این دو که در ارزش‌هایی می‌جویند که تجربه گذشته همه این گرایش‌ها کارایی و اهمیت آنها را نشان داده است.

از ورای همه این تحولات چند سوال اساسی هنوز فکرها را به خود مشغول می‌کند:

چه نیرویی را می‌توان چپ دانست؟ نشانه‌های تعلق به چپ در اندیشه فلسفی، سیاسی و برنامه اقتصادی و اجتماعی یک نیروی سیاسی کدامند؟ چپ باید از کدام نظام اداره کشور جانبداری کند و برنامه فرهنگی او چیست؟ در نگاه امروز چپ مشارکت مردمی در مسائل جامعه و سیاست چگونه باید تامین شود و این مشارکت در چهار سطح جماعات انسانی (تعلق بومی و محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) چگونه باید عمل کند؟ در یک سلسله مفاهیم کلی مانند عدالت اجتماعی، دموکراسی، محیط زیست، برابری زنان و مردان و... تمایز چپ با سایر نیروها چیست؟

در اولین سری این مباحث مقالاتی از آقایان باقر مومنی، بابک امیرخسروی، و.ک. (برلین) و س. نورسته درج گردید.

انتشار «بانگ آزادی»

شماره سوم گاهنامه «بانگ آزادی»، نشریه کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (آخن - آلمان) منتشر گردید. این شماره نشریه به بزرگداشت جان‌باختگان فاجعه ملی سال ۶۷ تخصیص یافته است. در این نشریه اطلاعاتی مشترک انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید و کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی و واپسین نامه محمود زکی پور و وصیت‌نامه فرزاد جهاد منتشر گردیده است. آدرس پستی این کانون: Postfach 1444 52015 Aachen Germany

انتشار نشریه پژواک

دومین شماره نشریه پژواک، نشریه کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران انتشار یافت. از جمله مطالب منتشره در این شماره نشریه عبارتند از: - عکس و مطالب کوتاهی در ارتباط با سالگرد فاجعه کشتار زندانیان سیاسی - لیست اسامی ۱۹ تن از روحانیون بازداشت شده - اسامی ۳۸ تن از زندانیان سیاسی در خطر اعدام که توسط محافل و احزاب اپوزیسیون اعلام شده است - اسامی اعدام و ترورشدگان در سه ماه گذشته - بخش‌هایی از گزارش حقوق بشر پارلمان بریتانیا - خبر اعدام رضا مظلومان آدرس پستی این کمیته: DKIR Postboks 276 2630 Tastrup Danmark

تظاهرات

مهاجرین افغانی

بعد از ظهر روز ۵ اکتبر صداهاتن از مهاجرین افغانی تظاهرات آرامی در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در شهر بن در آلمان فدرال و در هلند برگزار کردند. در این گردهمایی‌ها نمایندگان حزب وطن افغانستان و سازمان‌های دموکراتیک این کشور و شماری از احزاب و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های مدافع حقوق بشر ایرانی مشارکت داشتند و با خواندن پیام‌های همبستگی نگرانی خود را نسبت به رویدادهای اخیر افغانستان ابراز نمودند. تظاهرکنندگان قتل فجیع و ناجوانمردانه دکتر نجیب‌الله رئیس جمهور سابق افغانستان را محکوم کردند و از سازمان ملل متحد درخواست کردند که مسیبن این جنایت هولناک را از طریق مراجع بین‌الملل مورد تعقیب قرار دهند.

اپوزیسیون و گذار به مردم‌سالاری

نوری‌زاده همچنین اشاره کرد: «زمان گشودن فصلی که می‌توان آن را فصل تازه، یا مرحله نوین مبارزه خواند، فرارسیده است. و همه آنها که به ایران می‌آیند و نگران سرنوشت کشورشان هستند بی‌آنکه از آرمان‌های خود دست بکشند می‌توانند در این مرحله تازه با شعار دموکراسی و حاکمیت ملی گردهم جمع شوند. الان در مرحله‌ای حساس از تاریخ خود قرار دارد و ما به هیچ‌وجه تاکنون خود را آماده نکرده‌ایم که اگر مثلا فردا رژیم زیر فشار افکار عمومی و اعتراضات داخل و خارج مجبور به عقب‌نشینی و اعاده‌ی حقوق اساسی ملت شد. چه سان و با چه شروطی در برابر رژیم حاضر شویم. باید این آمادگی پیدا شود و کار ما لازم است ایجاد یک پلاتفرم و اراده‌ی یک برنامه عملی در جهت تحقق دموکراسی و حاکمیت ملی باشد.»

حمید ذوالنور از نهضت مقاومت ملی اظهار داشتند: «در اینجا مهمترین

افزافه کردند. «انتخابات دوره پنجم مجلس شورای جمهوری اسلامی آزمون خوبی بود ولی تعقیب راه انتخابات آزاد به معنی مخالفت با فرآیند پیشنهادی نیست. شناخت مشروعیت ذاتی رژیم را هم در بر ندارد. بالعکس می‌تواند به تدریج موجبات گذار به مردم‌سالاری را که آرزوی مردم ایران است تحقق بخشد.»

سخنران دوم سیزگرد حسن شریعتمداری بود. شریعتمداری با تاکید بر اهمیت هر امتیاز که جبهه دموکراسی از حاکمیت و ولایت فقیه بدست آورد اشاره کرد که پافشاری در تامین انتخابات آزاد مجلس یعنی تسخیر «خانه ملت» که مستلزم یک تحول آرام و تدریجی مسالمت‌آمیز است می‌تواند به گذار بر مردم‌سالاری بیانجامد. وی گفت: «مردم ایران بدنیاال حوادثی نیستند که احتمالا عواقب نامطلوبی راسب گردد.» ایشان در بخش دیگر سخنان خود با اشاره به فرآیند «پیشنهادی تزیه

در تاریخ ۱۷ اکتبر میزگردی به دعوت «تلاشگران جامعه باز» در شهر فرانکفورت با عنوان اپوزیسیون و گذار به مردم‌سالاری برگزار گردید.

در این میزگرد آقایان حسن نزیه، حسن شریعتمداری، علیرضا نوری‌زاده، حمید ذوالنور و فرخ نگهدار شرکت نموده، دیدگاه‌های خود را بیان داشتند. حسن نزیه گذار از وضع فعلی به مردم‌سالاری را در الزام رژیم جمهوری اسلامی به همه پرس‌پرسی دربار «انحلال یا ابقای رژیم» امکان پذیر اعلام کرد و گفت: برای نیل به این مقصود با توجه به عدم مشروعیت بیندای حاکمیت

تسهیل توسط مجلس خبرگان دست‌نشانده شخص خمینی باید تشکیل شود که مقدمات آن با همکاری عده‌ای از بخش‌های مختلف اپوزیسیون از یک سال پیش بر اساس طرحی در اروپا و آمریکا فراهم آمده است.» در خصوص چگونگی الزام رژیم به پذیرش همه‌پرسی تزیه اظهار داشتند: «کوشش در تحقق یکپارچگی اپوزیسیون همسو و همگام از یک طرف و استمداد از مراجع و سازمان‌های حقوق بشر در سطح جهان. تسووم بسا رفسع

فرم درخواست اشتراک «کار»

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: ()

مدت اشتراک: شش ماه □ یک سال □

نام: _____ تاریخ: _____
 آدرس: _____
 Name: _____
 Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!

بهای اشتراک «کار»

اروپا: _____
 شش ماه - ۴۵ مارک
 یک سال - ۹۰ مارک
 سایر کشورها: _____
 شش ماه - ۵۲ مارک
 یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v
 Postfach 260268
 50515 Koeln
 Germany

I.G.e.v
 22442032
 37050198
 Stadtparkasse Koeln
 Germany

شماره فاکس 0049 - 221 - 3318290

گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل»

(۳)

مسئله دسترسی به خدمات اجتماعی یک نیاز جدی برای اشتغال و بازدهی جامعه است. کره جنوبی مثال ساده از یک چنین کشوری است که این نیاز را شناخته است. امارات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری سالانه این کشور بر روی بهداشت و آموزش و پرورش برای هر نفر ۱۶۰ دلار بوده است. اما بعضی از کشورهای دسترسی به این خدمات حمایت نمی‌کنند. بیش از ۷۰ درصد از جمعیت کشورهای افغانستان، بنین، نیجر، آنگولا و مالی حداقل یک ساعت وقت لازم دارند تا به نزدیک‌ترین امکانات بهداشتی منطقه دسترسی پیدا کنند. در این کشورها، دسترسی اهالی مناطق روستایی به خدمات اجتماعی بسیار کمتر از ساکنان شهرها است.

اجرا در آورند. به عنوان یک فرمول جایگزین برای فرمول بالا، گروه محققان که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل گرد هم آمده بودند، فهرستی تحت عنوان «فهرست توسعه انسانی» به وجود آوردند که کشورهای را بر اساس تولید ناخالص ملی طبقه بندی نمی‌کرد. در فرمول این فهرست سه جزء رعایت و با هم ترکیب شدند. میزان طول عمر، سواد آموزی و قدرت خرید. بدین ترتیب فهرستی شامل ۱۷۴ کشور به وجود آمد که در آن کشورها بر این اساس که شهروندانشان تا چه میزان از امکانات اساسی انسانی بهره‌مندند، طبقه‌بندی شده‌اند. این گزارش این نکته را آشکار می‌سازد که رشد اقتصادی و توسعه انسانی هر دو نیازمند یکدیگرند و یکدیگر را تقویت می‌کنند اما این امر خود به خود صورت نمی‌گیرد.

در اکوادور و مراکش میانگین سرانه درآمد سالانه تقریباً هزار دلار است اما اکوادور در فهرست توسعه انسانی رتبه ۶۴ را داراست و مراکش در رتبه ۱۲۳ قرار گرفته است، زیرا شکاف عظیمی میان این دو کشور از لحاظ سطح سواد بزرگسالان وجود دارد. در حالی که در اکوادور ۸۹ درصد بزرگسالان باسواد هستند، این رقم در مراکش ۴۲ درصد می‌باشد. حتی در کشورهایی که از رشد زیادی بهره می‌برند، ثمره‌های این رشد بطور مساوی بین مردم تقسیم نمی‌شود. در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) میانگین درآمد حدود ۲۰ هزار دلار می‌باشد، اما بیشتر از صد میلیون نفر زیر جمعیت کشورهای عضو این سازمان از ۳۰ میلیون نفر از آنان بی‌کارند و بیش از ۵ میلیون نفر خانه ندارند. سایر کشورهای فقیر جهان نشان دهند درجات مختلفی از ایجاد ارتباط میان توسعه انسانی و رشد اقتصادی هستند. ریچارد جولی می‌گوید: در حقیقت، رشدی که کشورهای در حال رشد طی ۳۰ سال گذشته در امر توسعه انسانی داشته‌اند، بیشتر از رشد اقتصادی بوده است اما این روند نامناسب بوده و برخی نقاط را خیلی عقب نگاه داشته است. در حالی که طی ۱۵ سال گذشته در جنوب آسیا نسبت ورود کودکان به مدارس ابتدایی از ۶۰ درصد به ۷۳ درصد رسیده است این رقم در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا ۱۷ درصد بوده است و در حالی که وضعیت کشورها طبق این فهرست در اروپای شرقی و کشورهای عضو جامعه مستقر مشترک المنافع این میزان شدیداً کاهش یافته است.

از سوی دیگر کشورها، فقیر یا غنی، می‌توانند بر حسب درآمدهای مختلف خود به رده‌های انسانی یکسان و مشابهی دست یابند. مثلاً زلاند نو و سوئیس به ترتیب در رتبه ۱۴ و ۱۵ این فهرست قرار دارند، اما درآمد سرانه تولید ناخالص ملی در زلاند نو ۱۲۰۶۰۰ دلار و در سوئیس ۳۵۷۶۰ دلار بوده است. نپال رتبه ۱۵۱ و سنگال رتبه ۱۵۳ را دارند و درآمد سرانه هر کدام به ترتیب ۱۹۰ و ۷۵۰ دلار است. رتبه برخی کشورها از لحاظ سطح تولید ناخالص ملی ۴۰ مرتبه بالاتر از رتبه آنها در فهرست می‌باشد. برخی از این کشورها، اخیراً اقداماتی جهت بهبود وضعیت توسعه انسانی انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات اختصاص دادن بودجه نظامی و سایر مخارج به امر بهداشت، آموزش و پرورش و سایر مصارف اجتماعی، که اولویت داشته‌اند، می‌باشد. کشورهایی که گامهای اساسی و بلندی در زمینه توسعه انسانی برداشته‌اند، اغلب درآمد چندانی هم نداشته‌اند. از جمله کاستاریکا که در رتبه ۳۱ فهرست توسعه انسانی قرار گرفته و در طبقه

دموکراسی،

نتیجه توسعه یا پیش شرط آن؟

در چند هفته گذشته بحث پیرامون سیاست «گفتگوی انتقادی» آلمان با مقاله‌ای از رئیس جمهور این کشور در روزنامه «دی تسایت» بالاگرفت و موافقین و مخالفین دیگری هم پیرامون چگونگی رعایت حقوق بشر در کشورهای استبداد زده، رابطه اقتصادی آلمان با این کشورها، مداخله کردن یا نکردن کشورهای صنعتی به نفع رعایت حقوق بشر اظهار نظر نمودند. جهت آشنایی با نظرات عنوان شده، بخشهایی از این مقالات را در زیر به اطلاع می‌رسانیم.

«رومان هرتسوگ» رئیس جمهور آلمان در مقاله‌اش بنام «حقوق انسانها» در رابطه با حقوق بشر از «مستانت و واقع گرایی» دفاع نموده و می‌نویسد: امروزه بر کسی پوشیده نیست اما به هنگام پیش بردن آن می‌بایستی که آلمان پراگماتیسم را راهشای عملش قرار دهد.

او در ادامه می‌نویسد: هیتلر و یا سرنگان یونان از نظر سیاسی ایزوله شدند، اما در کشوری با ۱۰۰ میلیون جمعیت چنین کاری امکان پذیر نیست. در چنین مواقعی - خواننده می‌تواند تصور کند که منظور اندونزی است که «هرتسوگ» در آینده‌ای نزدیک به آنجا سفر خواهد نمود - استفاده از شیوه «تغییر از طریق تقرب» که در سیاست شرق از مایش شده است، موفقیت‌های بیشتری را به همراه خواهد آورد. در رابطه با هسته حقوق بشر یعنی حق زندگی، ممنوعیت شکنجه و تبعیض نمی‌توان مصالحه کرد. حمایت کردن از اقتصاد بازار آزاد می‌تواند به رسیدن به دموکراسی و آزادی بیان کمک نماید. پافشاری غرب بر روی «آزادی اندیشه» می‌تواند در جای دیگری با «تسامنهمی» مواجه شود. برای انسانهای زیادی برطرف کردن نیازهای اولیه‌شان هنوز در درجه اول اهمیت قرار دارد.

«ریچارد هرتسینگر» نویسنده آلمانی در جواب رئیس جمهور آلمان می‌نویسد که احزاب سوسیال مسیحی و دمکرات مسیحی و حکومت آلمان در مقابل چین و ایران و «دیکتاتورهای اسلامی» سیاستی را در پیش گرفته‌اند که کوچک‌ترین تشابهی با سیاست تشنج زدایی دهه هفتاد (میلادی) ندارد. حاضر بودن برای گفتگو بدون قید و شرط ناشی از ترس است که طرف مقابل گفتگو با چابکی خاصی از طریق لوث کردن مسائل مربوط به حقوق بشر ایجاد می‌کند.

رئیس جمهور «هرتسوگ» تصور می‌کند که رشد اقتصاد بازار در همه جای جهان بالاچار باعث پیدایش دموکراسی غربی خواهد شد. «سیاست عدم مداخله» مطابق نظر حاکم در تمام مرفه غرب حکم می‌کند که برای حل مشکلات پیچیده کشورهای دوردست به هیچ عنوان منافع خود را به خطر نیندازند. «نسبیت فرهنگی» بهانه عوام فریبانه‌ای برای یک جامعه مرفه و ایزوله غربی است. پیش برد و دفاع از حقوق بشر اما در درازمدت در راستای دموکراسی غربی قرار دارد. جهان گریبان واهمه‌ای ندارند اگر که به خاطر چنین صادراتی به آنها «امپریالیسم دموکراسی» نسبت داده شود.

«توت زومر» سردبیر در نقد نظرات «ریچارد هرتسینگر» خاطر نشان می‌کند که برداشت تاریخی «هرتسینگر» از تحرک لازم برخوردار نیست. فرهنگها تغییر و تحول پیدا می‌کنند اما با سرعتی متفاوت. این تغییر و تحول هر مرحله به مرحله صورت می‌گیرد. گمان به ما می‌آورد که اخلاق جهانی محدودیت زمانی

نمی‌شناسد و تاریخ هم به ما یاد می‌دهد که در همه فرهنگها اخلاق جهانی در یک پیرویه طولانی جایگزین خواهد شد. فلاسفه شش مرحله مختلف از آگاهی اخلاقی را تشخیص داده که بالاترین مرحله آن متأثر از ایده‌های جهانی می‌باشد. همانطوری که «ویتریو هوزل» خاطر نشان می‌کند: مرحله جهانی، بالاترین مرحله و هم چنین آخرین مرحله است و بدین سبب این مرحله در کنار فرهنگهایی وجود خواهد داشت که هنوز به این سطح نرسیده‌اند.

این مسئله اما برای من بدین معنی نیست که ما چشم مان را بر روی نقض حقوق بشر که در جهان و بخصوص در به اصطلاح کشورهای جهان سوم اتفاق می‌افتد، ببندیم. این اشاره که رشد انسانها برای رسیدن به مرحله بالاتر اخلاقی در هر فرهنگی نیازمند زمان خاص خویش است به معنای نسبی بودن ارزشها نیست. ۵۲ سال پیش آلمان هم در رابطه با حقوق بشر مشکلات خاص خودش را داشت. چرا نبایستی که در کشورهای دیگر هم پیشرفت حاصل شود؟

«ریچارد هرتسینگر» این نظر را که کمک به رشد اقتصاد بازار در کشورهای توتالیتر در کوتاه و یا بلند مدت منجر به دمکراتیزه شدن فضای سیاسی خواهد شد، باطل می‌داند. آیا او تجارب سالهای گذشته را ندیده است؟ تغییر و تحولات در کره جنوبی و تایوان نظر او را رد می‌کنند. در سال ۱۹۹۲ اولین انتخابات آزاد برای مجلس در تایوان برگزار شد. در کره جنوبی هم تغییرات مشابهی صورت گرفت. علت اصلی این تغییر و تحولات هم در دو مورد رشد پویای اقتصادی بوده است. گذار از دیکتاتوری به دموکراسی در هر دو کشور، زمانی که درآمد سرانه از ۵۰۰۰ دلار بیشتر شده بود، صورت گرفت. مارتین لپست جامعه شناس آمریکایی گفته است: ثروت یک کشور هر چه بیشتر که باشد به همان نسبت آزادت‌تر است. این قانون مندی را می‌توان به راحتی در تاریخ آمریکا و اروپا مشاهده کرد. رفاه در حال رشد به همراه خود بهتر شدن آموزش و پرورش را به دنبال خواهد آورد و با به وجود آمدن سازمانهای دولتی و غیر دولتی اقتصادی و به همراه آنها پافشارتن خصوصیات و نظریاتی که، ادامه حیات نظام دموکراسی را مساعد می‌کنند.

او «رومان هرتسوگ» پراگماتیست را متهم می‌کند که اخلاق را تنها جهت ظاهر آرای می‌مورد استفاده قرار می‌دهد در صورتی که خود او اخلاق را در یک پوشش زری قرار داده و جهت مبارزه برای حقوق بشر به دور دنیا می‌فرستد. او «نسبیت فرهنگی» پراگماتیستها را سرزنش می‌کند و خودش بدون قید و شرطی «امپریالیسم فرهنگی» را قبول می‌کند. او باور ندارد که زمان و تاریخ به نفع ایده‌های دموکراسی کار می‌کنند و به خاطر همین هم خواهان ایجاد یک «مرجع مسئول» می‌باشد که وظیفه‌اش نه تنها بکار بستن «فشار و تهدید» بلکه حتی بجای دوری جستن از اختلافات در مناطق دوردست جهان، دخالت فعالانه در این مناطق خطرناک باشد. او سیاست «عدم مداخله» را مساوی با «رفاه ایزوله شده غربی» قرار می‌دهد.

از نظر او حقوق بشر جهانی مهم‌ترین جنبش صادراتی دموکراسی غربی است و ترسی هم از پذیرش «امپریالیسم دموکراسی» ندارد. «امپریالیسم پداگوژیک» بهتر از امپریالیسم ارضی گذشته نیست. ما نباید تحت هیچ شرایطی از ارزشهایمان دست بکشیم. هم چنین باید مواظب باشیم تا رژیمهای متفرآور ما را با خشنوتشان مجبور به پذیرش ارزشهای خود نکنند. «هاینر گایسلر» معاون رئیس

فراکسیون حزب دمکرات مسیحی پارلمان آلمان در مقاله‌ای می‌نویسد که اخلاق و حقوق بشر سیاست خارجی را راحت نخواهند گذاشت. دیکتاتورهای صلح را به خطر می‌اندازند. صلحی که اساسش نه فقط سکوت سلاح‌ها، بلکه تحقق حقوق بشر، آزادی و عدالت است. من مثل «توت زومر» معتقد نیستم که رابطه اقتصادی در مقابل سیاست حقوق بشر قرار دارد. مسائل حقوق بشر دارای یک بُعد اجتماعی است و بازیگران جهانی نخواهند توانست مدت زیادی از سهام خود لذت ببرند اگر که جهانی شدن بازارها، هر چه زودتر به جهانی شدن حقوق بشر نیانجامد.

«توت زومر» جمله جامعه شناس آمریکایی را به عنوان یک قانون برای جهانی شدن پیرویه دموکراسی نقل قول می‌کند و معتقد است که درآمد سرانه ۷۰۰۰ دلار دموکراسی را برگشت ناپذیر خواهد نمود در صورتی که در عربستان سعودی (درآمد سرانه ۸۰۰۰ دلار) هنوز هم دستها را قطع نموده و زنان کاران را به مرگ محکوم می‌کنند. دمکراتیزه شدن آمریکایی لاتین و آسیای جنوب شرقی در کنار رشد اقتصادی دلایل سیاسی و معنوی هم داشته است. روی خوش نشان ندادن سیاست خارجهی آمریکا به دیکتاتورهای نظیر مارکوس، نوریه گا و پیئوشه باعث تقویت اپوزیسیون دمکرات و دمکراتیزه شدن این کشورها شد. اسپانیا، پرتغال و یونان دیکتاتور زده هم تحت تاثیر شدید دموکراسی اروپایی قرار داشتند.

با توجه به تاریخ نه چندان دور آلمان و اروپا تعجب آور است که طراحان حقوق بشر می‌بایستی تنها به روابط اقتصادی و دیپلماسی آرام اکتفا کنند. ما بطور واقعی برای پیش برد حقوق بشر احتیاج به بسیج قدرت ایده‌ها و رسانه‌ها داریم. ارسطو می‌گوید، این سخن راجع به عمل است که مردم را به حرکت در می‌آورد و نه عمل. چنین توانست از پاریس شاه ایران را سرنگون کند به خاطر اینکه گفته‌هایش به صورت نوار در ایران هزاران بار تکثیر و شنیده می‌شد.

آیا بی‌کفایتی، سببیت و فساد مالی که توسط بنیادگرایی و باند بازی تشدید می‌شود یک مسئله فرهنگی است و یا برآمده از قدرت طبلی، تعصب و میل به ستم کردن به دیگرانندیشان و اقلیتها از شمال ایرلند تا سودان و از کردستان تا تبت؟ زمانی که باید سنگسار و معیوب شدن را تحمل کند، «امپریالیسم حقوق بشر» را که حامی آنها باشد با رغبت قبول خواهد نمود. چرا تبعیض نژادی محکوم می‌شود اما به تبعیض جنسی اعتنایی نمی‌شود. کمیته بین‌المللی المپیک می‌بایستی که از شرکت ایران، سودان و عربستان سعودی جلوگیری به عمل می‌آورد همانطور که این کار با آفریقای جنوبی در گذشته صورت می‌گرفت. صاحبان قدرت بیشترین ترسشان از این است که جنایاتشان در ملاء عام محکوم شوند. دیپلماسی آرام را نمی‌توان بی‌اهمیت قلمداد نمود. اما مشکل آن آرام بودن است. باید مداخله نمود. نه تنها دولتها بلکه از کنسرنهای بین‌المللی هم می‌توان انتظار مداخله داشت. کنسرن شل می‌توانست جان کن سارو و ویوا (نویسنده نیجریه) را نجات دهد همانطوری که کنسرنهای ژاپنی توانستند آزادی خانم آنگ سان سوکی (برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۱ از برمه) را بدست آورند. مداخله کردن به زحمتش می‌آورد. در گزارش اسمال سازمان عفو بین‌الملل قید شده است که ۱۸۳ مورد زندانبان سیاسی آزاد شده و یا اعدامشان معلق شده است. وقتی که انسانها مورد ظلم و ستم قرار گرفته و شکنجه شده و کشته می‌شوند باید با شجاعت و با کمک رسانه‌ها مداخله نمود.

شمارش آرا انتخابات ریاست جمهوری در نیکاراگوئه تجدید می شود

اربعان واقعی کیست؟

مصاحبه با اولین نخست‌وزیر اسلامی ترکیه



هفته‌نامه تایم مصاحبه‌ای با نجم‌الدین اربکان انجام داده است که در شماره مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۹۶ این نشریه چاپ شده است. ترجمه این مصاحبه که در آن نظرات اربکان به صورت مختصر و در عین حال خیلی صریح عنوان گردیده است از نظر خوانندگان کار می‌گذرد.

تایم: شما به ایران و لیبی سفر کردید. چرا؟

اربعان: سفر ما به این دو کشور را نباید به صورت پیامی برای غرب تلقی کرد. ما به تحکیم روابط خود با کشورهای آسیایی و آفریقایی احتیاج داریم تا بتوانیم مسائل خاص خود را حل کنیم. اولین مسئله و مشکل ما، تروریسم است. دومین مسئله عبارتست از بهبود وضع اقتصادی ترکیه.

بسیاری از ناظران معتقدند که از میان ۲۲ درصد آرای که شما بدست آوردید، نیمی به خاطر عقاید مذهبی شماست و نیمی دیگر به خاطر مسائل اقتصادی.

این طور نیست اما بدیهی است که باید تمام عوامل را به حساب آورد. مردم ما در پنجاه سال گذشته، سایر احزاب را امتحان کردند اما چیز تروریسم، فقر، گرسنگی، بیکاری و تورم چیزی نصیب آنها نشد. به همین دلیل است که مردم ما دیگر آن احزاب را نمی‌خواهند.

شما در مورد قوانین اقتصادی اسلامی زیاد صحبت کرده‌اید. آیا به دنبال اجرای این قوانین هستید؟ اگر شما جلوی استثمار را بگیرید و سیستم اقتصادی عادلانه‌ای درست کنید، می‌بینید که بهره و ربا غیرعادلانه است. به خاطر همین بهره و رباست که رکود، رشوه‌خواری و بیکاری و گرسنگی بوجود می‌آید. ما به سمت نظام جدیدی حرکت می‌کنیم که در آن هر کس بر حسب لیاقت خود می‌برد.

شما قبلاً گفته‌اید که خواهان یک ترکیه اسلامی هستید اما اکنون موضع‌گیری‌های شما بیشتر مدرن است تا اسلامی. کدامیک اربکان واقعی است؟ مدرن یا اسلامی؟

بین این دو تصویر از اربکان تفاوتی نیست. غرب باید هنوز با اسلام آشنا شود. قرآن بابخشایش و توبه آغاز می‌شود. اسلام مبتنی بر علم، رئالیسم و ارزش‌های واقعی است. آنها که قبل از ما بر ترکیه حکومت کردند، مطابق این اصول جلو نمی‌رفتند. آنها ضد اسلامند نه سکولار (خواهان جدایی دین و قدرت سیاسی) آنها ضد مردم می‌چنگند نه اینکه دمکرات هستند! اگر من در سخنرانی خود اشاره کنم که پیامبر عزیز اسلام چنین و چنان گفته، آنها روی میز می‌کوبند و اعتراض می‌کنند! این دشمنی با دین است نه سکولاریسم!

فکر می‌کنید چه مدت در قدرت می‌مانید؟ این دولت تا سال ۲۰۰۰ قدرت را در دست خواهد داشت. و اما در انتخابات آینده: ما حتی آرای بیشتری کسب خواهیم کرد. ترجمه از محمدرضا قنبری

املاک راملی کردند در سال ۸۹ ساندینیست‌ها ثروت او را مصادره کردند. او صاحب مزارع قهوه و وکیل است. پدر او وزیر آموزش سوموزا بود. قبل از انتخابات، اورتگا تلاش کرد که جبهه وسیعتری از نیروهای مختلف را گرد آورد. بسیاری از «کنتر»های سابق با ساندینیست‌ها در یک ائتلاف قرار گرفتند. و اورتگا با تلاش در جهت برقراری روابط آشتی‌جویانه با برخی مخالفین سابق، به عنوان کاندیدی «همه مردم» در انتخابات شرکت کرد. و در حقیقت یک ائتلاف چپ و میانه در مقابل راست افراطی شکل گرفت.

شعار انتخاباتی آله‌مان در انتخابات، تعیین وضع مالکیت و برقرار نظم و امنیت بوده است. او قول داده است که صد هزار شغل جدید ایجاد کند، ولی مشخص نکرده است که چگونه این اشتغال را بوجود خواهد آورد.

برخی از ناظرین از یک «سوموزائیسیم بدون سوموزا» در نیکاراگوئه نام می‌برند گرچه به علت توازن قوا، و قدرت ساندینیست‌ها این امر آسان به نظر نمی‌آید.

دیمکراسی و ایجاد اشتغال به روی کار آمد. اما بعد از گذشت ۶ سال از حکومت چامورو وانجام برخی رفرم‌های اقتصادی، وضعیت اقشار کم‌درآمد در نیکاراگوئه به شدت وخیم شده است. سه چهارم جمعیت در فقر بسر می‌برند، ۲۰ درصد آنها زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۶۰ درصد نیروی کار، بیکار هستند. آرنولد و آله‌مان به قشری از طبقات ممتاز دوران دیکتاتور سوموزا تعلق دارد که بعد از روی کار آمدن چامورو وارد قدرت سیاسی شدند. طرفداران سوموزا که در میامی ساکن هستند، از حمایت مالی و سیاسی مخالفین فیدل کاسترو سود می‌برند. آنها امیدوارند که با روی کار آمدن آله‌مان در نیکاراگوئه، از یک استراتژی مشترک در مبارزه علیه فیدل کاسترو استفاده کنند. در مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری، محور تبلیغات آله‌مان مصادره ثروت‌ها در زمان ساندینیست‌ها استوار بود. او که قبل از انتخابات شهردار ماناگوا بود، نمایش تبلیغی وسیعی علیه ساندینیست‌ها به راه انداخت، محور تبلیغاتش روی قانون «بیناتا» بود که در زمان ساندینیست‌ها، زمین‌ها و

سیستم اکثر انتخابات ریاست جمهوری در نیکاراگوئه برگزار شد. در این انتخابات دانیل اورتگا کاندیدی جبهه ساندینیست‌ها و آرنولد و آله‌مان کاندیدی ائتلاف راست به رقابت برخاستند. بعد از شمارش ۷۹ درصد آرا آله‌مان با ۴۹ درصد اورتگا را با ۳۹ درصد آرا پشت‌سر گذاشت. از طرف ساندینیست‌ها، گروه‌ها و احزاب مختلف و اعتراضات زیادی علیه ناپسامانی‌ها و تقلب در جزوه‌های انتخاباتی و در شمارش آرا صورت گرفت. این اعتراضات بعد از پیدا شدن ۳۰ هزار برگ رای شمارش نشده در خانه یکی از وابستگان انتخاباتی آله‌مان شدت گرفت، و بعد از آن قرار شد توسط کمیسیون بین‌المللی ناظر انتخابات بیکار دیگر آرا شمرده شود. شش سال پیش که اولین انتخابات ریاست جمهوری در نیکاراگوئه برگزار شد، آمریکا که حمایت مالی و تسلیحاتی شدیدی از «کنتر»ها که علیه ساندینیست‌ها می‌جنگیدند، می‌کرد، در آن زمان کارزار تبلیغاتی وسیعی را در سطح جهان علیه ساندینیست‌ها به راه انداخت. ویولت چامورو با وعده شکوفایی اقتصاد ملی،

سفر جنجالی رئیس‌جمهور فرانسه به خاورمیانه



ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه در سفر خود به منطقه خاورمیانه، به شکل کم‌سابقه‌ای از فلسطینی‌ها پشتیبانی کرد. شیراک ضمن محکوم کردن تلاش‌های دولت دست راستی نتان یاهو، علیه به اجرای درآمدن قرارداد اسلو، خواهان آن شد که در مذاکرات فعلی بین فلسطینی‌ها و اسرائیل، جامعه مشترک اروپا نیز علاوه بر آمریکا نقش میانجی را به عهده گیرد.

جنجالی‌ترین لحظه سفر شیراک در بیت المقدس رخ داد. در حالی که رئیس‌جمهور فرانسه سعی داشت در کوچه‌های قدیمی بیت المقدس با مردم گفتگو کند، مأموران امنیتی اسرائیلی، به بهانه حفظ تامین جان وی، مکرراً مانع تماس مردم با او شدند. اقدامات مأموران اسرائیلی، با عکس العمل تند شیراک و درگیری او با مأمورین منجر شد.

پیروزی راست‌ها در اتریش

در انتخابات پارلمان اروپا در اتریش، و انتخابات شهرداری وین حزب سوسیال دموکرات شکست سختی را متحمل شد. حزب دست راستی افراطی «آزادی اتریش» ۲۷/۶ یعنی ۵/۷ بیشتر از انتخابات پارلمانی در دسامبر گذشته رای بدست آورد و برنده اصلی این انتخابات بود. حزب سوسیال دمکرات ۲۹/۲ (۸/۹) کمتر از سال گذشته (۲۹/۶) و حزب خلق ۲۹/۶ و سبزها ۶/۸ بدست آوردند. اتریش به پارلمان اروپا که درکل دارای ۶۲۶ نماینده است، ۲۱ نماینده می‌فرستد. این انتخابات اولین انتخابات بعد از پیوستن اتریش به اروپای مشترک در سال ۹۵ بود. بعد از سال ۹۵ سیاست صرفه‌جویی اقتصادی دولت اتریش که به منظور رسیدن به سطح اقتصادی اروپای مشترک و ارز واحد می‌باشد، مخالفت‌های زیادی را برانگیخت. حزب دست راستی «آزادی اتریش» به رهبری یورگ هایدن، بهره را از مخالفت‌های عمومی با سیاست‌های صرفه‌جویی برده است.

فرار مردم از افغانستان ادامه دارد

بقیه از صفحه اول یک ائتلاف شامل طالبان و رژیم سقوط کرده می‌اندیشد، که از نظر سیاسی و مذهبی معتدل تر از طالبان باشد و گروه‌های مختلف ملی و مذهبی را نمایندگی کند.

هفته گذشته نماینده آمریکای اسلام‌آباد با نماینده طالبان مذاکره کرد. مذاکره نماینده آمریکا با طالبان در پی جامعه عمل پوشاندن اهداف آمریکا مبنی بر کشیدن خط لوله نفت و گاز بین پاکستان و کشورهای آسیای میانه از طریق افغانستان، هفته گذشته نماینده آمریکا در اسلام‌آباد با نماینده طالبان مذاکره کرد.

شرکت «انوکال» مسئول کشیدن این خط لوله نفت است که ۲۰ میلیارد دلار هزینه آن است و تاکنون ۲۰ میلیون دلار صرف هزینه تحقیقاتی آن شده است.

آمریکا تاکنون حمایت خود از طالبان را علنی نکرده است. در پی معرفی نماینده طالبان به عنوان نماینده افغانستان در سازمان ملل،

کنفرانس آماآتا

پنج کشور ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان کنفرانسی در آلماتی برگزار کردند و یکبار دیگر نتایج روی کار آمدن طالبان بر کشورهای خود را بررسی کردند. آنها در این کنفرانس به طالبان اخطار کردند که یا از مرزهای خود فراتر نگذارد. ۵ کشور مزبور نگران تأثیرات سیاسی روی کار آمدن طالبان و تحریکات در مرزهای خود می‌باشند.

آیا با نخست‌وزیر قبلی ترکیه هم‌عقیده‌اید که معتقد بود صدام حسین باید کنترل شمال عراق را مجدداً به دست بگیرد؟

ما در آن منطقه احتیاج به صلح و آرامش داریم. ما خواهان آن بین بردن اردوگاه‌های تروریست‌ها هستیم. عراق همسایه ماست و ما سالها با هم در همسایگی یکدیگر زیسته‌ایم و مهم هم نیست که چه کسی بر عراق حکومت می‌کند.

چرا غرب از شما می‌ترسد؟ یک نوع سوء تفاهم است. غرب با نظر منفی به مانگام می‌کند در حالیکه حزب ما (حزب رفاه) جنبه مثبت ترکیه است. برای مثال به پانزده سال گذشته نگاه کنید: حزب رفاه صعود کرده است. در حالی که سایر احزاب افول نموده‌اند. اگر غرب خواهان متحد نیرومندی در این منطقه است، تنها حزب رفاه چنین متحدی است.

ترکیه مدتهاست که به خاطر نقض حقوق بشر از طرف غرب مورد انتقاد قرار دارد. برای بهبود وضع چه می‌خواهید بکنید؟ هر کشوری از نظر رعایت حقوق بشر ضعف‌هایی دارد. سه میلیون ترک در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند و ما خوب اطلاع داریم که با چه بی‌عدالتی‌هایی در این کشورها روبرو هستند. وضع سیاهان در آمریکا را هم خودتان بهتر از من می‌دانید. بنابراین من فکر می‌کنم که هر کشوری نقطه ضعف خاص خودش را دارد. با این سابقه بدی که غرب در زمینه حقوق بشر دارد، حق اعتراض به دیگری را ندارد. با همه این اوصاف، من معتقدم که ما باید به انتقادات گوش کنیم که اوضاع بهبود یابد.